

**تحليل راهبردی فروپاشی توافق کاهش عرضه اوپک پلاس:
اثرات آن بر بازار جهانی نفت و منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران**

کد موضوعی: ۳۱۰

شماره مسلسل: ۱۶۹۵۰

اسفندماه ۱۳۹۸

معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی

دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

به نام خدا

فهرست مطالب

۱. خلاصه راهبردی ۱
۲. وضعیت کنونی بازار و چشم‌انداز آن در شرایط ادامه عدم توافق ۶
۳. روسیه و ترجیح منافع بلندمدت سهم راهبردی بازار: مخالفت با همراهی با عربستان در چرخه تکراری زمین‌سازی توسعه بیشتر نفت شیل آمریکا ۱۲
۴. فروپاشی اوپک پلاس و شکست راهبرد «حاکمیت دوگانه شیل/آرامکو» عربستان بر بازار انرژی ۱۹
۵. چشم‌انداز تولید نفت شیل آمریکا پس از عدم توافق اوپک پلاس ۲۵
۶. نتایج راهبردی فروپاشی اوپک پلاس برای منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران ۳۱



تحلیل راهبردی فروپاشی توافق کاهش عرضه اوپک پلاس: اثرات آن بر بازار جهانی نفت و منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران

خلاصه راهبردی

در این گزارش فروپاشی توافق کاهش عرضه اوپک پلاس و اثرات آن بر بازار جهانی نفت و منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته و برای انجام آن گام‌های زیر دنبال شده است:

در گام نخست؛ ضمن شناسایی وضعیت کنونی عرضه و تقاضای بازار کنونی نفت و اثرات احتمالی که بحران کرونا بر تقاضای نفتی جهانی خواهد داشت، تأثیر عدم توافق نفتی بین اوپک و غیراوپک و فروپاشی توافقات اوپک پلاس بر چشم‌انداز عرضه و تقاضا و قیمت‌های جهانی مورد تحلیل قرار گیرد.

در گام دوم؛ با مطالعه راهبردها و برنامه‌های اقدام عربستان و روسیه به دلیل رفتار این کشورها نسبت به تداوم / عدم تداوم توافقات کاهش عرضه در چارچوب چرخه تکراری کاهش عرضه/افزایش موقتی قیمت پرداخته شد. سیاست انرژی عربستان در چارچوب همراستایی با نفت شیل ایالات متحده در قالب «تحمیل مدیریت دوگانه آرامکو-شیل» بر بازار جهانی و راهبرد انرژی روسیه در «وارونه‌سازی چرخه تکراری کاهش عرضه/افزایش قیمت به سود نفت شیل» مورد بررسی قرار گرفتند و نهایتاً با فهم راهبردهای انرژی طرفین، تلاش شده است سناریوهای محتمل آتی رفتار این دو کشور ترسیم گردد. در این بخش، سناریوی محتمل رفتاری عربستان (جنگ قیمتی و اثرات آن) و دو سناریوی روسیه (الف) «قابل پذیرش» در قالب Free Riding و (ب) سناریوی مطلوب با هدف غیراقتصادی نفت شیل برای بازگردانی توازن به بازار جهانی نفت مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

در گام سوم؛ واکنش صنعت نفت شیل ایالات متحده با توجه به آخرین آمارهای معتبر جهانی در زمینه هزینه سربسری تولید آن در ایالات متحده به روند کاهشی قیمت‌های جهانی نفت مورد بررسی قرار گرفته است.

و نهایتاً در گام چهارم؛ اثرات تحولات اخیر بازار جهانی نفت و فروپاشی اوپک پلاس بر منافع کوتاه‌مدت اقتصادی و منافع بلندمدت راهبردی جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد:

۱. سازمان اوپک در آخرین گزارش بازار نفت (مارس ۲۰۲۰) برآورد کرده که تقاضای جهانی در سال ۲۰۲۰ حدود ۶۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد که کمترین مقدار رشد تقاضا در طی چند سال اخیر خواهد بود و تقاضای جهانی از ۹۹/۶۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۹۹/۷۳ میلیون بشکه

در روز در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. همچنین در مورد تقاضا برای نفت اوپک برآورد می‌شود که در سال ۲۰۲۰ حدود ۱/۷۳ میلیون بشکه در روز کمتر از سال ۲۰۱۹ باشد و از ۲۹/۹۰ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۲۸/۱۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ برسد. البته بر اساس برآوردهای اوپک کاهش رشد تقاضا در سال ۲۰۲۰ مربوط به فصول اول و دوم سال خواهد بود و طی فصل سوم و چهارم مجدداً رشد تقاضا از سر گرفته خواهد شد.

در مورد عرضه غیراوپک نیز برآورد شده که ۱/۷۶ میلیون بشکه در روز افزایش یابد در حالی که قبلاً برآورد می‌شد که حدود ۲/۲ میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد. بخش عمده افزایش غیر اوپک مربوط به سه کشور آمریکا، برزیل و نروژ خواهد بود که رشد تولید آنها در سال ۲۰۲۰ به ترتیب ۹۰۰، ۳۰۰ و ۳۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود.

حال در صورتی که حتی تولیدکنندگان اوپک همان سطح تولید فصل چهارم ۲۰۱۹ خود را ادامه دهند در فصل اول و دوم ۲۰۲۰ بازار با بیش از دو میلیون بشکه مازاد عرضه مواجه خواهد بود اما در صورتیکه به سطح تولید قبل از اجلاس ۱۷۷ برگردند بازار با مازاد عرضه بیشتری مواجه خواهد شد. متوسط تولید اوپک در فصل چهارم ۲۰۱۸ حدود ۳۲/۰۹ میلیون بشکه در روز بوده است که نسبت به متوسط تولید این کشورها در ماه‌های ژانویه و فوریه ۲۰۲۰ به مقدار ۳/۵ میلیون بشکه در روز بیشتر است. البته از این ۳/۵ میلیون بشکه حدود ۲ میلیون بشکه مربوط به کاهش تولید ایران، لیبی، ونزوئلا و آنگولا می‌باشد که برگشت آنها به بازار منوط به مهیا شدن شرایط فنی و سیاسی است اما حدود ۱/۵ میلیون بشکه آن مربوط به کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و عراق به ترتیب با ۱۰۴۵، ۱۹۸، ۱۱۰ و ۱۱۸ هزار بشکه در روز است که امکان بازگشت آن بیشتر است.

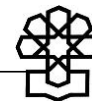
به طور کلی اگر روسیه و عربستان وارد جنگ قیمتی شده و تولید خود را افزایش داده و این سیاست از سوی سایر کشورهایی که توان افزایش تولید را دارند همراهی شود در کوتاه مدت بازار با بیش از ۳ میلیون بشکه در روز مازاد عرضه مواجه خواهد شد این در حالی است که در حال حاضر سطح ذخیره‌سازی‌های تجاری OECD بیش از متوسط پنج سال گذشته است و مازاد عرضه باعث افزایش بیشتر آن شده و فشار تضعیف‌کننده بیشتری را به سطح قیمت‌های نفت وارد خواهد کرد.

۲. تحولات آتی بازار جهانی نفت را از منظر روسیه را می‌توان در قالب ۲ سناریوی زیر در نظر گرفت:

الف) سناریوی قابل پذیرش: انتظار عقب‌نشینی عربستان به دلیل فشار اقتصادی و موج‌سواری

رایگان (Free Riding)

در این سناریو، اقتصاد عربستان و متحدان عربی آن (امارات متحده عربی و کویت) به‌رغم سیاست‌های موقتی این کشورها در اتخاذ سیاست‌های انرژی جنگ قیمتی علیه روسیه به‌عنوان متهم شکست توافق اوپک پلاس و تشدید کاهش قیمت، در سال ۲۰۲۰ نهایتاً این دولت‌ها را مجبور به چاره‌جویی برای کاهش عرضه و افزایش قیمت خواهد کرد. در این شرایط احتمالاً عربستان و متحدان



به سیاست‌های کاهش عرضه بدون مشارکت روسیه و مستقلاً در اوپک اقدام خواهند کرد که همگی از جمله عراق به قیمت‌های پایین نفت بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود. در این شرایط با کاهش مستقلانه از سوی اوپک، قیمت‌های جهانی رشد خواهد کرد و روسیه نیز از منافع آن به صورت سواری رایگان منتفع خواهد شد.

(ب) سناریوی مطلوب: غیراقتصادی شدن بخش اعظم نفت شیل در بازار و افزایش قیمت و تأمین منافع راهبردی بلندمدت روسیه

در این سناریو، در صورتی که عربستان به جنگ قیمتی از طریق افزایش عرضه ادامه داده و بتواند با استفاده از ذخایر ارزی خود، اثرات منفی کاهش قیمت جهانی نفت را در اقتصاد خود مدیریت نماید، عرضه نفت شیل ایالات متحده در قیمت‌های پایین به شدت ضربه خواهد خورد و با خروج بخشی از نفت‌های پرهزینه از بازار جهانی (که البته بجز نفت متعارف شامل بخشهایی از نفت پرهزینه متعارف نظیر نفت فوق‌سنگین نیز می‌شود) قیمت جهانی نفت بدون کاهش سهم بازاری روسیه رشد کند. در این شرایط، تهدید راهبردی بازار بلندمدت روسیه یعنی نفت شیل ایالات متحده آسیب جدی را متحمل خواهد شد.

۳. تاکنون، افزایش تولید نفت شیل ایالات متحده به میزان ۳/۹ میلیون بشکه در روز از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، جایگزین نفت کشورهای نظیر ایران، ونزلا، سوریه و بخشی از لیبی شده است اما دولت روسیه با روند فعلی احساس تهدید کرده است که گزینه بعدی جایگزین‌سازی روند روبه رشد نفت شیل آمریکا، بازارهای روسیه در اروپا و چین می‌باشد. اتفاقی که هم‌اکنون در بخش گاز طبیعی برای روسیه رخ داده و دولت ترامپ تلاش دارد که با «بازاریابی دیپلماتیک»، LNG خود را جایگزین گاز روسیه نماید و به همین دلیل خط لوله نورداستریم-۲ برای عرضه گاز روسیه به اروپا را تحریم می‌کند.

در این فرآیند روسیه تصمیم گرفته است که با خروج از توافق اوپک پلاس و پذیرفتن کاهش عرضه، منجر به کاهش قیمت نفت گردد تا نفت پرهزینه شیل آمریکا به دلایل اقتصادی از بازار خارج گشته و بازارهای این کشور را تهدید ننماید.

به نظر می‌رسد که عربستان در کوتاه‌مدت تلاش خواهد کرد که با «جنگ قیمتی» روسیه را وادار سازد که به توافق کاهش عرضه با اوپک بازگردد. عرضه نفت ارزان به بازارهای مهم صادراتی روسیه نظیر اروپا با تأکید بر اروپای شرقی نیز از ابزارهای احتمالی اعمال فشار بر روسیه است. پشتوانه ارزی بالای این کشور ممکن است که این کشور را در تداوم جنگ قیمتی برای وادارسازی روسیه به بازگشت توافق کاهش با اوپک امیدوار سازد.

اما سیاست جنگ قیمتی با اوپک با تهدید بالایی نیز روبرو می‌باشد. علاوه بر اینکه بودجه روسیه در چند سال گذشته بر اساس قیمت‌های پایین‌تر از قیمت جهانی نفت بسته شده است و دارای ذخیره ارزی بالاتری از عربستان است، سیاست جنگ قیمتی عربستان ممکن است که به ضرر خود عربستان از

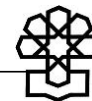
حیث فشار بر ذخیره ارزی این کشور و همچنین کاهش اعتبار اقتصادی این کشور گردد. از این گذشته، ممکن است که روسیه جنگ قیمتی عربستان را با توجه به آسیب‌پذیری کمتر اقتصاد خود، در راستای راهبرد خود برای کاهش بیشتر قیمت جهانی نفت با هدف فشار بیشتر بر نفت شیل و خروج این نفت‌های پرهزینه از بازار تلقی نموده و در برابر آن مقاومت کرده و آن را نیز ادامه دهد. در این شرایط، سیاست جنگ قیمتی عربستان بیشتر از آنکه تهدید روسیه باشد، تهدید صنعت اشتغال‌زای شیل دولت ترامپ باشد که آینده حیات سیاسی متحد راهبردی عربستان را در انتخابات ۲۰۲۰ را تهدید کند. در مجموع، سناریوی محتمل عربستان در این شرایط فارغ از نتایج آن، پیگیری جنگ قیمتی به همراه متحدان عربی خود بویژه امارات متحده عربی برای بازگرداندن روسیه به توافق کاهش عرضه با اوپک در قالب توافقات اوپک‌پلاس می باشد.

۴. در ژانویه ۲۰۲۰ کل تولید نفت خام آمریکا ۱۲/۸۹ میلیون بشکه در روز بوده که ۸/۲۳ میلیون بشکه نفت شیل و ۴/۶۶ میلیون بشکه در روز نفت خام متعارف بوده است. در چند سال گذشته اگر چه تولید نفت خام متعارف در آمریکا روند تقریباً ثابتی داشته اما تولید نفت شیل روند صعودی داشته است. روند تولید نفت شیل آمریکا وابستگی زیادی به سطح قیمت‌ها دارد و روند چند سال گذشته آن نشان می‌دهد زمانی که سطح قیمت‌ها بالاست از رشد تولید بالایی برخوردار بوده اما زمانی که سطح قیمت نفت افت کرده، رشد تولید نفت شیل متوقف شده است به طوری که در دوره مارس ۲۰۱۵ تا سپتامبر ۲۰۱۶ به دلیل کاهش قیمت نفت روند نزولی داشته است. پیش بینی می‌شد که تولید نفت شیل آمریکا در سال ۲۰۲۰ حدود یک میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد اما در حال حاضر که قیمت‌ها تحت تاثیر کاهش تقاضای جهانی به دلیل شیوع و گسترش سریع ویروس کرونا در سطح جهانی و عدم توافق اوپک پلاس برای کاهش تولید و همینطور جنگ قیمتی روسیه و عربستان با کاهش شدیدی مواجه شده، پیش‌بینی می‌شود که چشم‌انداز تولید شیل در سال ۲۰۲۰ منفی باشد البته مقدار آن بستگی به دوره کاهش قیمت‌ها و سطح آن خواهد داشت.

۵- اثرات تصمیمات اوپک و اوپک‌پلاس بر منافع کوتاه‌مدت و راهبردی و بلندمدت کشور عبارتند از:

• اثرات بر منافع کوتاه‌مدت اقتصادی کشور از نگاه غیرراهبردی

- در نگاه غیرراهبردی و اقتصادی صرف، کاهش قیمت نفت منجر به کاهش درآمدهای محدود ناشی از صادرات محدود نفت کشور در فرآیندهای پیچیده دور زدن تحریم گردد.
- دور زدن تحریم‌ها در شرایط کاهش قیمت و افزایش عرضه به صورت موقتی تا زمان خروج نفت شیل از بازار و توازن‌یابی مجدد بازار و یا توافق مجدد اوپک پلاس دشوارتر خواهد بود. هرچند در بلندمدت به دلیل احتمال خروج نفت شیل از بازار در قیمت‌های پایین و توازن‌یابی مجدد عرضه/تقاضا، هم قیمت جهانی نفت رشد می‌کند و هم دورزدن تحریم‌ها تسهیل می‌گردد.
- درآمدهای ناشی از فروش صادرات دیگر بخشهای انرژی کشور نظیر قیمت گاز صادراتی،



فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی به دلیل کاهش قیمت نفت نیز کاهش خواهد یافت.

• اثرات راهبردی و بلندمدت بر منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران

- در صورت تکرار چرخه مورد نظر عربستان در کاهش عرضه برای افزایش موقتی قیمت نفت، سهم جهانی نفت شیل در جهان افزایش خواهد یافت. با توجه به جهت‌گیری شدید نفت صادراتی ایالات متحده به بازارهای هند، ژاپن، کره جنوبی، هند، اتحادیه اروپا و چین، افزایش تولید نفت شیل در پرتو راهبرد عربستان، آینده جایگاه نفت ایران حتی در شرایط غیرتحریمی نیز در این بازارها تهدید جدی خواهد شد.

- یکی از عوامل اصلی زمینه‌ساز تحریم کامل صادرات نفتی ایران، توسعه شدید نفت شیل بخاطر استراتژی عربستان در کاهش عرضه و افزایش قیمت بوده است. در صورت موافقت روسیه و تداوم سیاست عربستان در تکرار کاهش عرضه و افزایش موقتی قیمت، همین سطح محدود صادرات نفت در دورزدن تحریم نیز در ماه‌های آتی از بین می‌رفت زیرا فرآیند جایگزین‌سازی نفت و گاز شیل به بازارهای ایران جدی‌تر می‌گردد.

- از نظر راهبردی و بلندمدت، منافع کشورهای چین ایران و عراق که دارای الگوی بازاریابی سازمان‌یافته نیستند و بیشتر بر تجارت نفت بر اساس عرضه و تقاضای بازار متکی‌اند، با سیاست روسیه در وارونه‌سازی سیاست فعلی اوپک پلاس هم‌نواپی بیشتری دارد. زیرا احتمالاً با کاهش قیمت نفت، حجم بالایی از نفت‌های پرهزینه از جمله نفت شیل از بازار خارج شده و با توازن‌یابی مجدد بازار جهانی نفت، امکان بازاریابی نفتی برای این کشورها وجود دارد.

- در حال حاضر بین ایران، عراق از یکسو و کشورهای عربی به رهبری عربستان، تعارض منافع وجود دارد. عربستان بازار صادرات نفتی خود را ایمن کرده و با افزایش قیمت از طریق کاهش عرضه با مشارکت و هزینه حداکثری بر دیگر کشورها، هم به منافع اقتصادی بیشتر دست می‌یابد و هم با زمینه‌سازی برای توسعه بیشتر نفت شیل، زمینه برای اعمال فشار بیشتر بر ایران را نیز بیشتر می‌کند.

- اشتغال نفتی برای دولت ترامپ که دارای برگ برنده موفقیت اقتصادی در مناظرات انتخاباتی ۲۰۲۰ بود، با کاهش قیمت نفت با خطر جدی روبرو می‌گردد. این امر برای منافع ملی کشور ایران که امیدوار است با تغییر قدرت از ترامپ به دموکراتها، برجام احیاء شده و با تعلیق مجدد تحریم‌ها زمینه برای ترمیم اقتصاد کشور فراهم گردد، دارای اهمیت راهبردی است. بنابراین، صرف‌نظر از منافع کوتاه‌مدت اقتصادی، از نظر منافع بلندمدت اقتصاد نفتی، بازاریابی، احیاء برجام در صورت تغییر دولت ترامپ به سود دموکرات‌ها، راهبرد روسیه در خروج از توافق نفتی برای کاهش قیمت و حذف نفت شیل از بازار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همسویی و سازگاری دارد.

۶. مطالعه رفتارهای روسیه و عربستان دستاورد تجربی عمیقی را برای تصمیم‌گیران حوزه انرژی و

اقتصاد کشور به ارمغان می‌آورد. نفت شیل به دلیل پیشرفت‌های فناورانه در کاهش هزینه‌های تولید به تغییردهنده بازی بدل شده است و آینده اقتصاد نفتی کشور ایران (تأکید می‌شود صرفاً اقتصاد نفتی کشور نه اقتصاد انرژی) نیازمند توجه به موارد ذیل است:

الف) ضرورت گریز از اقتصاد نفتی مبتنی بر صادرات نفت خام محور و تمرکز بر صادرات فرآورده به دلیل برخورداری از تکثر و تنوع بازاری و احتمالاً محیط پیرامونی کشور

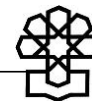
ب) تمرکز هرچه بیشتر بر گریز از الگوهای اولیه و پایه‌ای صادرات نفت نظیر تجارت انرژی بر اساس عرضه و تقاضای مشتریان به سمت الگوهای ایمن‌سازی تقاضا برای صادرات نفتی در بازاریابی با روش‌های متنوعی نظیر Equity Oil شرکت‌های ملی مصرف‌کنندگان، فروش نفت در قالب Total Trade، در صورت امکان اتخاذ روش‌های Buy Demand و نهایتاً ورود به شبکه‌های اتصال انرژی پایدار و به هم پیوسته منطقه‌ای است.

ج) کاهش هرچه بیشتر بودجه کشور از درآمدهای نفتی می‌تواند دیپلماسی نفتی مستقل‌تر و فعالانه‌تر و موثرتری را برای منافع راهبردی و بلندمدت کشور به جای تمرکز بر منافع اقتصادی کوتاه‌مدت ولی به ضرر منافع کلان کشور را زمینه‌سازی کند.

۱. وضعیت کنونی بازار و چشم‌انداز آن در شرایط ادامه عدم توافق

۱-۱. مقدمه و طرح مسئله

برآوردهای اولیه از میزان رشد تقاضا برای سال ۲۰۲۰ بیش از ۱/۲ میلیون بشکه در روز بود اما بعد از آنکه جنگ تجاری چین و آمریکا بالا گرفت، به تدریج در این برآوردها تجدیدنظر نزولی شد و سایه تشدید جنگ تجاری بین چین و آمریکا بر وضعیت رشد اقتصادی و به تبع آن، مقدار رشد تقاضا در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ پررنگ‌تر شد. بعد از آنکه در اواسط دسامبر ۲۰۱۹ آمریکا و چین در مورد اختلافات تجاری خود به توافق رسیدند و فاز اول توافق را امضاء کردند و دو طرف اعلام کردند که مذاکرات فاز دوم توافق را به زودی آغاز کرده و قبل از پایان سال ۲۰۲۰ توافقنامه نهایی تکمیل و امضاء خواهد شد، در این شرایط خوش‌بینی نسبت به رشد تقاضا برای سال ۲۰۲۰ افزایش یافت اما شیوع و گسترش سریع ویروس کرونا باعث شد که مجدداً در برآوردها از رشد تقاضا در سال ۲۰۲۰ تجدیدنظر نزولی شود. از طرف دیگر تولیدکنندگان عضو توافق اوپک پلاس در اجلاس فوق‌العاده ماه مارس، خود شوک دیگری را به بازار دادند و در شرایطی که برآوردها از وضعیت عرضه و تقاضا نشان می‌داد که برای حفظ قیمت‌های نفت نیاز به کاهش عرضه بیشتری است، نه تنها با کاهش بیشتر توافق نکردند بلکه توافق قبلی را نیز تمدید نکردند که باعث سقوط شدید و بی‌سابقه قیمت نفت شد.



۲-۱. تحلیل و ارزیابی

• چشم‌انداز عرضه و تقاضا در سال ۲۰۲۰

بر اساس برآوردهای سازمان اوپک در سال ۲۰۱۸ تقاضای جهانی ۱/۴۲ میلیون بشکه در روز رشد داشته و از ۹۷/۴۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۷ به ۹۸/۸۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۸ رسیده است. برای سال ۲۰۱۹ با آنکه در اوایل سال پیش‌بینی می‌شد که تقاضای جهانی ۱/۳ میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد اما به دلیل وضعیت اقتصاد جهانی و جنگ تجاری چین و آمریکا فقط ۸۳۰ هزار بشکه در روز رشد داشت که حدود ۶۴ درصد برآوردهای اولیه از رشد تقاضای جهانی در سال ۲۰۱۹ بود و از ۹۸/۸۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۸ به ۹۹/۶۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ رسید. برای سال ۲۰۲۰ در ابتدا برآورد می‌شد که تقاضای جهانی نسبت به سال ۲۰۱۹ رشد بالاتری داشته و حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز رشد نماید به خصوص بعد از توافق تجاری آمریکا و چین، به این خوش‌بینی‌ها افزوده شد اما شیوع و گسترش شدید ویروس کرونا در چین و سایر کشورهای جهان که اقتصاد جهانی را شدیداً تحت‌الشعاع خود قرار داده، موجب شد که اکثر مؤسسات نفتی در پیش‌بینی‌های خود از مقدار رشد تقاضا برای سال ۲۰۲۰ تجدید نظر نزولی کنند. سازمان اوپک در آخرین گزارش بازار نفت (مارس ۲۰۲۰) برآورد کرده که تقاضای جهانی در سال ۲۰۲۰ حدود ۶۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد که کمترین مقدار رشد تقاضا در طی چند سال اخیر خواهد بود و تقاضای جهانی از ۹۹/۶۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۹۹/۷۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. البته بر اساس برآوردهای اوپک کاهش رشد تقاضا در سال ۲۰۲۰ مربوط به فصول اول و دوم سال خواهد بود و طی فصل سوم و چهارم مجدداً رشد تقاضا از سر گرفته خواهد شد. بر اساس برآوردهای این سازمان، تقاضای جهانی در فصل اول ۲۰۲۰ نسبت به فصل چهارم ۲۰۱۹ به مقدار ۳/۲ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت و همین‌طور در فصل دوم ۲۰۲۰ تقاضای جهانی ۲/۵۹ میلیون بشکه در روز کمتر از مقدار تقاضا در فصل چهارم ۲۰۱۹ خواهد بود. برآوردهای اوپک با این فرض انجام شده که در طی فصل سوم ۲۰۲۰ اثرات ویروس کرونا بر اقتصاد جهانی و رشد تقاضای نفت به حداقل برسد و تقاضا در فصل سوم ۲۰۲۰ با ۳/۰۵ میلیون بشکه در روز افزایش نسبت به فصل دوم ۲۰۲۰ به ۱۰۱/۲۵ میلیون بشکه در روز برسد و همین‌طور در فصل چهارم با ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش نسبت به فصل سوم به ۱۰۱/۸۵ میلیون بشکه در روز برسد.

در مورد عرضه غیراوپک نیز برآورد شده که ۱/۷۶ میلیون بشکه در روز افزایش یابد در حالی که قبلاً برآورد می‌شد که حدود ۲/۲ میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد. بخش عمده افزایش غیراوپک مربوط به سه کشور آمریکا، برزیل و نروژ خواهد بود که رشد تولید آنها در سال ۲۰۲۰ به ترتیب ۹۰۰، ۳۰۰ و ۳۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود. قبلاً پیش‌بینی می‌شد که رشد تولید آمریکا در سال ۲۰۲۰

حدود ۱/۵ میلیون بشکه در روز باشد اما در پیش‌بینی‌های جدید به کمتر از یک میلیون بشکه در روز کاهش داده شده است.

جدول ۱. پیش‌بینی عرضه و تقاضای نفت در سال ۲۰۲۰ بر اساس برآوردهای اوپک

(میلیون بشکه در روز)

تغییرات ۲۰۲۰ نسبت به ۲۰۱۹	۲۰۲۰	فصل چهارم ۲۰۲۰	فصل سوم ۲۰۲۰	فصل دوم ۲۰۲۰	فصل اول ۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	
۰/۰۶	۹۹/۷۳	۱۰۱/۸۵	۱۰۱/۲۵	۹۸/۲۰	۹۷/۵۸	۹۹/۶۷	۹۸/۸۴	تقاضای جهانی
۱/۷۶	۶۶/۷۴	۶۷/۳۰	۶۶/۷۴	۶۶/۴۶	۶۶/۴۴	۶۴/۹۷	۶۲/۹۹	عرضه غیر اوپک
۰/۰۳	۴/۸۲	۴/۸۲	۴/۸۲	۴/۸۲	۴/۸۲	۴/۷۹	۴/۷۵	عرضه مایعات گازی، میعانات و نفت غیرمتعارف اوپک
۱/۷۹	۷۱/۵۶	۷۲/۱۱	۷۱/۵۶	۷۱/۲۸	۷۱/۲۶	۶۹/۷۶	۶۷/۷۴	کل عرضه به غیر از تولید نفت خام اوپک
-۱/۷۳	۲۸/۱۸	۲۹/۷۳	۲۹/۶۹	۲۶/۹۲	۲۶/۳۲	۲۹/۹۰	۳۱/۱۰	تقاضای نفت اوپک
						۲۹/۳۴	۳۱/۳۴	تولید نفت خام اوپک
						۹۹/۱۰	۹۹/۰۸	کل عرضه جهانی
						-۰/۵۷	۰/۲۵	موازنه بازار

مأخذ: سازمان اوپک، ماهنامه بازار نفت، مارس ۲۰۲۰.

با توجه به پیش‌بینی‌های انجام شده از وضعیت تقاضا و عرضه غیر اوپک، برآورد می‌شود که تقاضا برای نفت اوپک در سال ۲۰۲۰ حدود ۱/۷۳ میلیون بشکه در روز کمتر از سال ۲۰۱۹ باشد و از ۲۹/۹۰ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۲۸/۱۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ برسد. برآورد شده که تقاضا برای نفت اوپک در فصل اول ۲۰۲۰ حدود ۳/۲۳ میلیون بشکه در روز کمتر از فصل چهارم ۲۰۱۹ و حدود ۲۶/۳۲ میلیون بشکه در روز باشد و در فصل دوم ۲۰۲۰ تقاضا برای نفت اوپک به ۲۶/۹۲ میلیون بشکه در روز برسد. این در حالیست که متوسط تولید اوپک در فصل چهارم ۲۰۱۹ به مقدار ۲۹/۰۹ میلیون بشکه در روز بوده است و در صورتی که اوپک همین سطح تولید خود را ادامه دهد در طی فصل اول و دوم سال ۲۰۲۰ بازار به ترتیب با ۲/۷۷ و ۲/۱۷ میلیون بشکه در روز مازاد عرضه مواجه خواهد بود یعنی حتی در صورتی که پیشنهاد کاهش ۱/۵ میلیون بشکه‌ای عرضه در جلسه اخیر اوپک نیز مورد پذیرش تولیدکنندگان قرار می‌گرفت باز هم بازار با مازاد عرضه مواجه بود.

۳-۱. تصمیم اخیر اوپک پلاس و تأثیر آن بر بازار نفت

در ابتدای دسامبر ۲۰۱۸ تولیدکنندگان نفت اوپک و غیر اوپک تصمیم گرفتند که برای ایجاد موازنه در بازار و حذف مازاد عرضه، برای یک دوره شش ماهه، ۱/۲ میلیون بشکه در روز از تولید خود را کاهش دهند و در اجلاس ۱۷۶ این سازمان که در ۱ ژوئیه ۲۰۱۹ برگزار شد توافق برای یک دوره زمانی نه



ماهه تمدید شد. با توجه به پیش‌بینی مازاد عرضه در بازار در طی فصل اول و دوم ۲۰۲۰، تولیدکنندگان اوپک و غیراوپک در اجلاس ۱۷۷ که در دسامبر ۲۰۱۹ برگزار شد تصمیم گرفتند که علاوه بر کاهش ۱/۲ میلیون بشکه در روز قبلی که در اجلاس ۱۷۵ توافق شده بود، روزانه ۵۰۰ هزار بشکه دیگر نیز تولید خود را کاهش دهند. تعهد جدید اوپک پلاس مبنی بر کاهش ۵۰۳ هزار بشکه در روز، شامل ۳۷۲ هزار بشکه در روز سهم اوپک و ۱۳۱ هزار بشکه در روز سهم روسیه و ۹ کشور دیگر غیراوپک بود. عربستان سعودی اعلام کرد به طور داوطلبانه ۴۰۰ هزار بشکه در روز علاوه بر مقدار متعهد شده در توافق اوپک پلاس برای کاهش ۱/۷ میلیون بشکه در روز، تولید خود را کاهش خواهد داد. در حالی که در طی ماه‌های ژانویه و فوریه ۲۰۲۰ تولیدکنندگان عضو اوپک پلاس پایبندی نسبتاً بالایی به توافق داشتند. اما چشم‌انداز منفی رشد تقاضای آتی جهانی موجب شد که قیمت‌ها وارد شیب نزولی شود و پیشنهاد کاهش ۱/۵ میلیون بشکه‌ای برای تقویت قیمت نفت در اجلاس فوق‌العاده اوپک که در ۵ مارس ۲۰۲۰ برگزار شد مطرح شود اگرچه این پیشنهاد از سوی تولیدکنندگان اوپکی پذیرفته شد اما در جلسه ۶ مارس ۲۰۲۰ اوپک پلاس، روسیه به عنوان بزرگترین تولیدکننده غیراوپکی آن را نپذیرفت. عدم توافق برای کاهش بیشتر تولید و عدم تمدید توافق قبلی موجب کاهش شدید قیمت نفت شد. بعد از اجلاس عربستان در قیمت‌های رسمی فروش خود به بازارهای مختلف تخفیفاتی بی‌سابقه‌ای را اعلام کرد و از طرف دیگر آرامکو نیز اعلام کرد که تولید خود را به بیش از ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. روسیه نیز اعلام کرد که به شرکت‌های تولیدکننده نفت این کشور اعلام کرده مجاز به تولید حداکثری هستند. این وضعیت روند نزولی قیمت‌های نفت را تشدید کرد.

(هزار بشکه در روز)

جدول ۲. تولید اوپک

تفاوت متوسط ژانویه و فوریه ۲۰۲۰ با فصل چهارم ۲۰۱۸	متوسط ژانویه و فوریه ۲۰۲۰	فوریه ۲۰۲۰	ژانویه ۲۰۲۰	۲۰۱۹	فصل چهارم ۲۰۱۸	
-۴۵	۱۰۱۰	۱۰۰۷	۱۰۱۲	۱۰۲۲	۱۰۵۵	الجزایر
-۱۱۴	۱۳۸۳	۱۳۹۰	۱۳۷۵	۱۴۰۱	۱۴۹۶	آنگولا
-۱۷	۳۰۱	۳۰۸	۲۹۴	۳۲۵	۳۱۸	کنگو
۱۹	۵۳۶	۵۳۶	۵۳۶	۵۲۸	۵۱۷	اکوادور*
۹	۱۲۳	۱۲۳	۱۲۳	۱۱۸	۱۱۴	گینه استوایی
۴	۱۹۲	۱۹۱	۱۹۳	۲۰۸	۱۸۸	گابن
-۹۰۰	۲۰۸۱	۲۰۸۰	۲۰۸۲	۲۳۵۸	۲۹۸۱	ایران
-۱۱۸	۴۵۵۱	۴۵۹۴	۴۵۰۸	۴۶۸۰	۴۶۶۹	عراق
-۱۱۰	۲۶۶۴	۲۶۶۲	۲۶۶۶	۲۶۸۷	۲۷۷۴	کویت
-۵۸۷	۴۷۰	۱۴۶	۷۹۳	۱۰۹۶	۱۰۵۷	لیبی

نیجریه	۱۷۳۹	۱۷۸۵	۱۷۶۰	۱۷۸۹	۱۷۷۵	۳۵
عربستان سعودی	۱۰۷۵۲	۹۷۷۱	۹۷۳۱	۹۶۸۳	۹۷۰۷	-۱۰۴۵
امارات	۳۲۳۶	۳۰۹۴	۳۰۳۷	۳۰۴۰	۳۰۳۹	-۱۹۸
ونزوئلا	۱۱۹۱	۷۹۵	۷۵۱	۷۶۰	۷۵۶	-۴۳۶
کل اوپک	۳۲۰۸۶	۲۹۸۶۵	۲۸۸۵۹	۲۸۳۰۹	۲۸۵۸۴	-۳۵۰۲

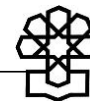
* در سال ۲۰۲۰ اکوادور از اوپک خارج شده اما این کشور در اوپک محاسبه شده است.
مأخذ: اوپک.

حال در صورتی که حتی تولیدکنندگان اوپک همان سطح تولید فصل چهارم ۲۰۱۹ خود را ادامه دهند در فصل اول و دوم ۲۰۲۰ بازار با بیش از دو میلیون بشکه مازاد عرضه مواجه خواهد بود اما در صورتیکه به سطح تولید قبل از اجلاس ۱۷۷ برگردند بازار با مازاد عرضه بیشتری مواجه خواهد شد. متوسط تولید اوپک در فصل چهارم ۲۰۱۸ حدود ۳۲/۰۹ میلیون بشکه در روز بوده است که نسبت به متوسط تولید این کشورها در ماههای ژانویه و فوریه ۲۰۲۰ به مقدار ۳/۵ میلیون بشکه در روز بیشتر است. البته از این ۳/۵ میلیون بشکه حدود ۲ میلیون بشکه مربوط به کاهش تولید ایران، لیبی، ونزوئلا و آنگولا می‌باشد که برگشت آنها به بازار منوط به مهیا شدن شرایط فنی و سیاسی است اما حدود ۱/۵ میلیون بشکه آن مربوط به کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و عراق به ترتیب با ۱۰۴۵، ۱۹۸، ۱۱۰ و ۱۱۸ هزار بشکه در روز است که امکان بازگشت آن بیشتر است.

به طور کلی اگر روسیه و عربستان وارد جنگ قیمتی شده و تولید خود را افزایش داده و این سیاست از سوی سایر کشورهایی که توان افزایش تولید را دارند همراهی شود در کوتاه مدت بازار با بیش از ۳ میلیون بشکه در روز مازاد عرضه مواجه خواهد شد این در حالیست که در حال حاضر سطح ذخیره‌سازی‌های تجاری OECD بیش از متوسط پنج سال گذشته است (در ژانویه ۲۰۲۰ سطح ذخیره‌سازی‌های تجاری OECD ۲۹۴۰ میلیون بشکه بوده که ۶۰ میلیون بشکه بالاتر از سطح ژانویه ۲۰۱۹ و ۱۳ میلیون بشکه بالاتر از سطح پنج سال گذشته است) و مازاد عرضه باعث افزایش بیشتر آن شده و فشار تضعیف‌کننده بیشتری را به سطح قیمت‌های نفت وارد خواهد کرد. البته واکنش نفت شیل آمریکا به وضعیت کنونی بازار از اهمیت زیادی برخوردار است که در بخش بعدی به این مسئله پرداخته خواهد شد.

۴-۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس برآوردهای سازمان اوپک در سال ۲۰۱۸ تقاضای جهانی ۱/۴۲ میلیون بشکه در روز رشد داشته و از ۹۷/۴۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۷ به ۹۸/۸۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۸ رسیده است. برای سال ۲۰۱۹ با آنکه در اوایل سال پیش‌بینی می‌شد که تقاضای جهانی ۱/۳ میلیون بشکه در



روز رشد داشته باشد اما به دلیل وضعیت اقتصاد جهانی و جنگ تجاری چین و آمریکا فقط ۸۳۰ هزار بشکه در روز رشد داشت. برای سال ۲۰۲۰ در ابتدا برآورد می‌شد که تقاضای جهانی نسبت به سال ۲۰۱۹ رشد بالاتری داشته و حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز رشد نماید اما شیوع و گسترش شدید ویروس کرونا در چین و سایر کشورهای جهان که اقتصاد جهانی را شدیداً تحت‌الشعاع خود قرار داده، موجب شد که اکثر مؤسسات نفتی در پیش‌بینی‌های خود از مقدار رشد تقاضا برای سال ۲۰۲۰ تجدید نظر نزولی کنند. سازمان اوپک در آخرین گزارش بازار نفت (مارس ۲۰۲۰) برآورد کرده که تقاضای جهانی در سال ۲۰۲۰ حدود ۶۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد که کمترین مقدار رشد تقاضا در طی چند سال اخیر خواهد بود و تقاضای جهانی از ۹۹/۶۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۹۹/۷۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. البته بر اساس برآوردهای اوپک کاهش رشد تقاضا در سال ۲۰۲۰ مربوط به فصول اول و دوم سال خواهد بود و طی فصل سوم و چهارم مجدداً رشد تقاضا از سر گرفته خواهد شد.

در مورد عرضه غیراوپک نیز برآورد شده که ۱/۷۶ میلیون بشکه در روز افزایش یابد در حالی که قبلاً برآورد می‌شد که حدود ۲/۲ میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد. بخش عمده افزایش غیراوپک مربوط به سه کشور آمریکا، برزیل و نروژ خواهد بود که رشد تولید آنها در سال ۲۰۲۰ به ترتیب ۹۰۰، ۳۰۰ و ۳۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود.

با توجه به پیش‌بینی‌های انجام شده از وضعیت تقاضا و عرضه غیر اوپک، برآورد می‌شود که تقاضا برای نفت اوپک در سال ۲۰۲۰ حدود ۱/۷۳ میلیون بشکه در روز کمتر از سال ۲۰۱۹ باشد و از ۲۹/۹۰ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۲۸/۱۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ برسد.

حال در صورتی که حتی تولیدکنندگان اوپک همان سطح تولید فصل چهارم ۲۰۱۹ خود را ادامه دهند در فصل اول و دوم ۲۰۲۰ بازار با بیش از دو میلیون بشکه مازاد عرضه مواجه خواهد بود اما در صورتیکه به سطح تولید قبل از اجلاس ۱۷۷ برگردند بازار با مازاد عرضه بیشتری مواجه خواهد شد. متوسط تولید اوپک در فصل چهارم ۲۰۱۸ حدود ۳۲/۰۹ میلیون بشکه در روز بوده است که نسبت به متوسط تولید این کشورها در ماه‌های ژانویه و فوریه ۲۰۲۰ به مقدار ۳/۵ میلیون بشکه در روز بیشتر است. البته از این ۳/۵ میلیون بشکه حدود ۲ میلیون بشکه مربوط به کاهش تولید ایران، لیبی، ونزوئلا و آنگولا می‌باشد که برگشت آنها به بازار منوط به مهیا شدن شرایط فنی و سیاسی است اما حدود ۱/۵ میلیون بشکه آن مربوط به کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و عراق به ترتیب با ۱۰۴۵، ۱۹۸، ۱۱۰ و ۱۱۸ هزار بشکه در روز است که امکان بازگشت آن بیشتر است.

به طور کلی اگر روسیه و عربستان وارد جنگ قیمتی شده و تولید خود را افزایش داده و این سیاست از سوی سایر کشورهایی که توان افزایش تولید را دارند همراهی شود در کوتاه‌مدت بازار با بیش از ۳ میلیون بشکه در روز مازاد عرضه مواجه خواهد شد این در حالیست که در حال حاضر سطح

ذخیره‌سازی‌های تجاری OECD بیش از متوسط پنج سال گذشته است و مازاد عرضه باعث افزایش بیشتر آن شده و فشار تضعیف‌کننده بیشتری را به سطح قیمت‌های نفت وارد خواهد کرد.

۲. روسیه و ترجیح منافع بلندمدت سهم راهبردی بازار: مخالفت با همراهی با عربستان در چرخه تکراری زمینه‌سازی توسعه بیشتر نفت شیل آمریکا

۱-۲. مقدمه و بیان مسئله

به رغم اینکه نشست ۱۷۸ اوپک منجر به توافق اعضای اوپک برای کاهش ۱ میلیون بشکه در روز دیگری از تولید اعضای این سازمان از طریق هماهنگی با کاهش ۵۰۰ هزار بشکه‌ای غیراوپک شد، اما با امتناع روسیه از ایده کاهش بیشتر تولید نفت، عملاً نه تنها توافق جدیدی صورت نپذیرفت، بلکه توافق قبلی مبنی بر کاهش ۱/۲ و سپس ۱/۷ میلیون بشکه در روز تا مارس ۲۰۲۰ نیز از بین رفت. علاوه بر این که نتیجه عدم تصمیم اوپک پلاس در مورد سطح تولید اعضای منجر به شوک غیراقتصادی اثرگذار بر کاهش قیمت در بازار جهانی نفت شد، تصمیم مقابله‌ای و تلافی‌جویانه عربستان و امارات متحده عربی مبنی بر افزایش تولید به ترتیب تا ۱۲ و ۴ میلیون بشکه در روز و اتخاذ جنگ قیمت‌ها با هدف تنبیه روسیه اثر شدیدتری بر روند کاهشی قیمت نفت گذاشته است. سوال کلیدی در تحلیل تحولات اخیر بازار جهانی که هم‌اکنون با عنصر غیربنیادی مهم دیگری به نام بحران کرونا و نتایج آن بر کاهش تقاضای نفت جهانی روبروست، این است که چرا روسیه حاضر نشد پیشنهاد اوپکی‌ها را در کاهش ۵۰۰ هزار بشکه در روز از سوی غیراوپک را بپذیرد؟

۲-۲. تحلیل و ارزیابی

۲-۲-۱. تحول مبنای سیاست‌گذاری و دیپلماسی انرژی روسیه؛ از منطق کوتاه‌مدت اقتصادی

به منافع بلندمدت استراتژیک

اگر منطق همکاری اعلام شده قبلی از سوی مراکز تحلیل بازار جهانی نفت در مورد همکاری غیراوپکی‌ها به رهبری روسیه با اوپک را در قالب «اوپک پلاس» را بر اساس ابعاد اقتصادی مدیریت بازار جهانی انرژی بپذیریم، طبیعتاً می‌بایست همکاری این دو گروه را در شرایطی که بازار با کاهش شدید تقاضای جهانی نفت حداقل در نیمه اول سال ۲۰۲۰ به دلیل بحران کرونا روبروست، ادامه پیدا می‌کرد تا منافع اقتصادی این کشورها از طریق کاهش عرضه و بهبود قیمت‌ها تأمین گردد. اما به نظر می‌رسد که مبنای تصمیم‌گیری روسیه در حوزه انرژی و دیپلماسی انرژی این کشور از ابعاد کوتاه‌مدت منافع اقتصادی به ابعاد بلندمدت منافع استراتژیک این کشور در زمینه حفظ سهم از بازار جهانی انرژی، عدم حذف از بازار با توجه به روند روبه‌رشد تولید نفت شیل ایالات متحده در پرتو تصمیمات کاهش عرضه نفت اوپک



پلاس و سیاست‌های بازاریابی این کشور در بازارهای هدف صادراتی روسیه تغییر کرده است.

• دلایل تحول در سیاست و دیپلماسی انرژی روسیه

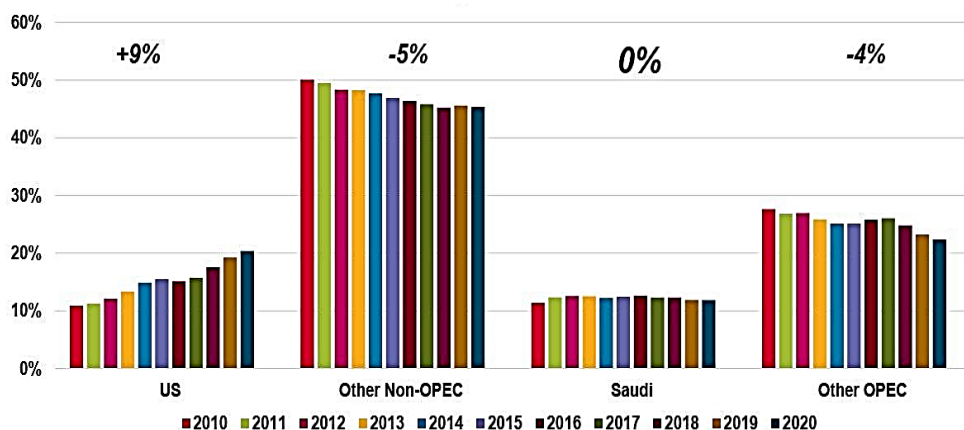
- افزایش تولید نفت شیل آمریکا در نتیجه ادامه همراهی با ایده کاهش عرضه عربستان، بازارهای صادرات نفت روسیه را تهدید می‌کند تا بازار صادرات نفت عربستان

از زمان اتخاذ تصمیم مشترک اوپک و غیراوپک برای کاهش عرضه به منظور مدیریت قیمت که از سال ۲۰۱۴ با روند کاهشی شدید روبرو شده بود، به رغم اینکه سهم این کشورها از بازار جهانی در سایه این تصمیم در حال کاهش بود، تولید نفت شیل ایالات متحده تاکنون نزدیک به دو برابر شده است. تولید نفت شیل در آمریکا از سال ۲۰۱۶ از ۴/۳ میلیون بشکه در روز به ۸/۲ میلیون بشکه در روز در پایان سال ۲۰۱۹ رسیده است. این امر بدین معنی است که:

۱. اقدامات کاهش عرضه اوپک و غیراوپک (ابتدا ۱/۲ و سپس افزایش به ۱/۷ میلیون بشکه در روز کاهش عرضه) در کنار خروج غیربرنامه‌ریزی شده نفت برخی از این کشورها بویژه ایران با بیش از ۲ میلیون بشکه در روز کاهش تولید، به دلیل بازگشت تحریم‌ها، عملاً منجر به ایجاد فضای تولید برای نفت شیل ایالات متحده شده است. این امر در حقیقت اقدام اوپک پلاس سبب شده است که ۳/۹ میلیون بشکه در روز تولید نفت شیل افزایش یابد.

۲. با نگاهی دقیق‌تر به روند افزایش تولید نفت شیل آمریکا که منجر به افزایش کل سهم تولید نفت ایالات متحده از تولید نفت جهانی بین سالهای ۲۰۲۰-۲۰۱۰ شده است، می‌توان دریافت که افزایش ۹ درصدی سهم ایالات متحده از تولید جهانی بدون اینکه منجر به کاهش سهم بازاری عربستان سعودی گردد، جایگزین ۵ درصد سهم تولیدی غیراوپک و ۴ درصد سهم تولیدی کشورهای اوپک منهای عربستان از بازار جهانی نفت شده است. به عبارت بهتر اگر آمریکا افزایش تولیدی را بدست آورده است این افزایش جایگزین کشورهای اوپک پلاس منهای عربستان، امارات و کویت شده است.

نمودار ۱. سهم از تولید مایعات سوختی جهانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰



Source:Platts

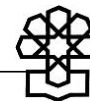
۳. از منظر روسیه، همکاری با عربستان در شرایطی صورت می‌گیرد که سهم بازاری این کشور در پرتو سیاست‌های «بازارسازی برای امنیت تقاضا از طریق Buy Demand» حفظ شده اما آینده سهم بازار روسیه در صورت تداوم همکاری با عربستان در تکرار چرخه کاهش عرضه به خطر قرار می‌گیرد. اگر تاکنون افزایش ظرفیت صادرات نفت ایالات متحده به دلیل اقدامات اوپک پلاس در تقویت قیمت به مقاصد کشورهای صورت گرفته است که کمتر بازار صادراتی روسیه بوده است (کانادا، مکزیک، ژاپن، کره جنوبی و برزیل) اما روند روبه‌رشد صادرات نفت این کشور به بازارهای اروپایی و چین به عنوان بازارهای مدنظر روسیه از طریق «الگوی بازارسازی دیپلماتیک ترامپ با مکانیزم جنگ تعرفه‌ها» می‌تواند آینده بازارهای صادرات نفت و گاز روسیه را در این مناطق با تهدید مواجه کند.

- افزایش تولید نفت و گاز شیل، احتمال عملیاتی‌شدن تحریم‌های انرژی علیه انرژی روسیه را تقویت می‌کند.

حفظ قیمت در سطوحی که منجر به تجاری‌شدن نفت و گاز شیل در آمریکا شده است منجر به ایجاد طرح‌هایی در ایالات متحده برای ایجاد ظرفیت صادرات LNG به میزان ۱۶۰ میلیون تن در سال شده است. در همین راستا، دولت ترامپ در قالب استراتژی «Energy Dominance» مندرج سند استراتژی امنیت ملی خود (دسامبر ۲۰۱۷) تلاش زیادی برای ورود به بازارهایی دارد که در گام اول توانایی رقابت اقتصادی برای ورود به آن را ندارد. به عنوان مثال، بازار گاز اروپا برای دولت ترامپ به عنوان هدفگذاری صادراتی برای خود مطرح کرده است که روسیه می‌تواند تا قیمت ۴ دلار در هر میلیون بی‌تی‌یو در برابر هزینه نهایی تولید ال‌ان‌جی ایالات متحده بین ۸-۶ دلار در هر میلیون بی‌تی‌یو دست برتر را داشته باشد. اما دولت ایالات متحده تلاش دارد که با دو مکانیزم و دستور کار:

الف) تحریم‌های افزایش صادرات گازی روسیه به اروپا نظیر Nord Stream-2

ب) اعمال تحریم‌های فنی و مالی بر پروژه‌های جدید توسعه‌ای روسیه و در نتیجه از بین بردن



ظرفیت عرضه نفت و گاز روسیه در آینده میان مدت، بازارهای صادراتی روسیه بویژه در بخش گاز طبیعی تصاحب کند.

در همین راستا می توان به تحقیقی از سوی آکسفورد انرژی استناد کرد که معتقد است که به دلیل تحریم های آمریکا در عدم دسترسی روسیه به سرمایه و فناوری غربی در توسعه میادین گرین جدید، ظرفیت تولید نفت این کشور در سال ۲۰۲۳ تا میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز با کاهش تولید میادین فعال قدیمی و عدم جایگزینی با تولید میادین جدید روبرو خواهد شد. این کاهش فرصت مناسبی برای جایگزینی نفت آمریکا در بازارهای صادراتی روسیه است. در حقیقت، هرچه بر ظرفیت صادرات انرژی آمریکا افزوده شود، احتمال استفاده آمریکا از ابزارهای غیراقتصادی نظیر تحریم های انرژی برای از میدان به در کردن رقبای انرژی خود بیشتر می شود. به همین دلیل، روسیه در اقدام اخیر خود در عدم همراهی با عربستان با کاهش بیشتر و در نتیجه کاهش قیمت، تلاش دارد تا روند روبه رشد ظرفیت تولید/صادرات نفت و گاز پرهزینه آمریکا را با کاهش قیمت با چالش روبرو کند تا آمریکا ظرفیت بالایی برای صادرات انرژی حداقل در آینده کوتاه مدت نداشته باشد که برای بازسازی آن به گزینه تحریم بیشتر روسیه تمرکز نماید. به رغم توسعه فناوری های کاهش هزینه تولید نفت و گاز نامتعارف، همچنان به نظر می رسد که برنامه روسیه همچنان از مزیت هزینه پایین تر نفت و گاز متعارف به نسبت نفت و گاز نامتعارف (از جمله شیل) حداقل در آینده کوتاه مدت برخوردار است.

• ابعاد تحول در سیاست و دیپلماسی انرژی روسیه

ابعاد تحول در سیاست و دیپلماسی انرژی روسیه به نسبت چندسال گذشته عبارتند از؛
- معکوس سازی چرخه تکراری کاهش تولید- افزایش قیمت به عدم کاهش تولید اوپک پلاس- کاهش قیمت- خروج بخشی از شیل پرهزینه از بازار- افزایش قیمت.

دیپلماسی انرژی روسیه در حال حاضر با تمرکز بر اهداف راهبردی به تغییر مسیر برنامه های اقدام خود برای الف) تثبیت جایگاه خود در بازار انرژی (نفت و گاز) و ب) بهبود قیمت ها در نظر گرفته است که کاملاً با دیدگاه ۴ سال گذشته این کشور از یکسو و با دیپلماسی انرژی عربستان سعودی در تعارض کامل قرار دارد. این کشور به جای استمرار چرخه تکراری کاهش عرضه از سوی اوپک پلاس برای افزایش قیمت نفت، به دنبال عدم کاهش عرضه و اصرار بر وجود مازاد عرضه جهانی نفت حتی در شرایط اثرگذاری بحران کرونا بر کاهش تقاضای جهانی نفت داشته تا در کوتاه مدت منجر به کاهش قیمت شده که به نوبه خود سبب غیرتجاری شدن و خروج از بازار نفت های پرهزینه از جمله بخشی از تولید نفت شیل ایالات متحده و ماسه نفتی های کانادا شود. در این صورت قیمت نفت با بازگشت تعادل عرضه/تقاضا رشد خواهد کرد و در سطح آستانه هزینه سربسری نفت های نامتعارف قرار خواهد گرفت. در این طرح، بدون کاهش سهم راهبردی نفت های متعارف از بازار، خروج نفت های پرهزینه از بازار منجر به افزایش

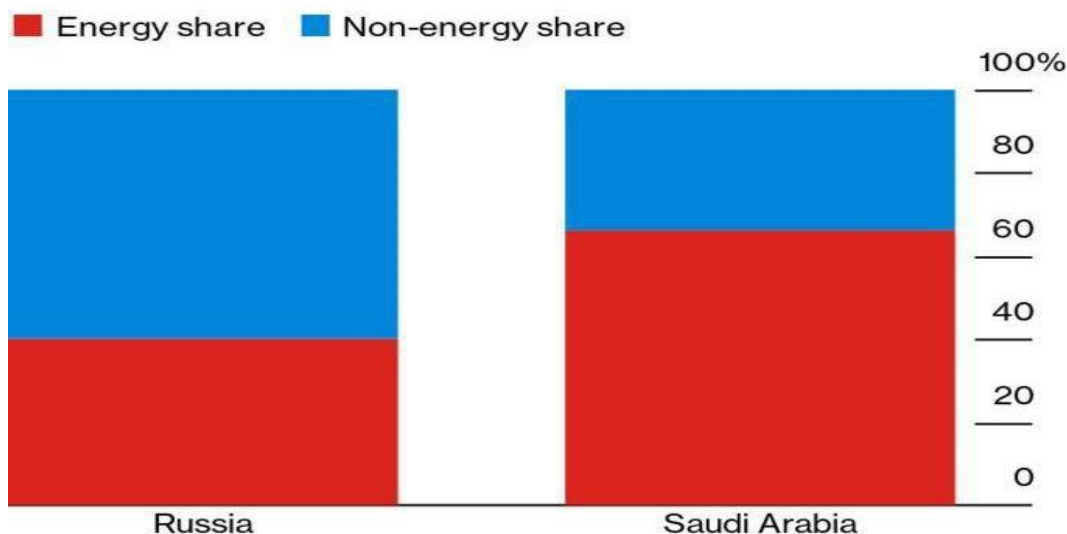
قیمت نفت خواهد شد. در حقیقت، روسیه به دنبال این است که عامل اصلی کاهش قیمت نفت در بازار جهانی که همان نفت‌های شیل است را هدف قرار دهد. بدیهی است که اتخاذ این سیاست انرژی نیازمند توجه به ۲ نکته است؛ الف) توان مقاومت اقتصادی کشورهای تولیدکننده نفت متعارف نسبت به کاهش موقتی اولیه قیمت نفت و ب) این سیاست تهاجمی با نفت‌های پرهزینه نیازمند توجه به روند روبه‌رشد توسعه فناوری در کاهش هزینه سربسری تولید نفت نامتعارف است. به سخن دیگر این سیاست تهاجمی علیه نفت شیل تا زمانی امکان موفقیت دارد که «مزیت هزینه تولید پایین تر تولید هر بشکه نفت متعارف» به نسبت هزینه تولید هر بشکه نفت نامتعارف وجود داشته باشد. از منظر روسیه این مزیت هم‌اکنون به رغم توسعه روزافزون فناوری‌های تولید منابع نامتعارف نفتی حداقل در آینده کوتاه‌مدت وجود دارد. این سیاست روسیه کاملاً در جهت خلاف رویکرد چندساله خود روسیه و عربستان سعودی قرار دارد. مهمترین دلیلی که اکنون در چرایی این تغییر سیاست انرژی روسیه بیان می‌شود این است که روسیه در چندسال گذشته به دلیل وابستگی بالای بودجه خود به درآمدهای نفتی و گازی مجبور به همکاری با عربستان در سیاست کاهش تولید برای افزایش قیمت نفت شده بود اما به تدریج با کاهش سطح وابستگی بودجه‌ای خود به قیمت نفت به نسبت عربستان، امکان اتخاذ چنین سیاستی را برای خود فراهم آورده است. این موضوع در بخش ذیل بیشتر و اشکافی خواهد شد.

- مقاوم‌سازی اقتصاد کشور روسیه با قیمت‌های پایین نفت

اقتصاد روسیه در چند سال گذشته بودجه خود را به نحوی تنظیم کرده است که نیازمندی کمتری به نسبت عربستان به قیمت‌های بالاتر انرژی در بازار جهانی دارد. در این راستا وزارت دارایی روسیه اعلام کرد قیمت ۴۲ دلار و ۴۰ سنت نفت اورال قیمتی است که بودجه روسیه بر مبنای آن تنظیم شده و صندوق سرمایه ملی این کشور تا اول مارس دارایی‌هایی به ارزش ۱۵۰/۱ میلیارد دلار معادل ۹/۲ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه داشته است. این دارایی‌ها برای جبران افت درآمدهای نفتی ناشی از ریزش قیمت‌ها کافی هستند. حتی اگر قیمت نفت به مدت طولانی در محدوده ۲۵ تا ۳۰ دلار بماند، صندوق سرمایه ملی دارایی کافی برای حفظ ثبات اقتصاد کلان و مالی اقتصاد روسیه دارد. دارایی این صندوق برای جبران قیمت ۲۵ تا ۳۰ دلار نفت به مدت ۶ تا ۱۰ سال کفایت می‌کند. در نمودارهای ذیل می‌توان به مؤلفه‌های اقتصاد داخلی روسیه به عنوان پشتیبان دیپلماسی انرژی روسیه توجه کرد.



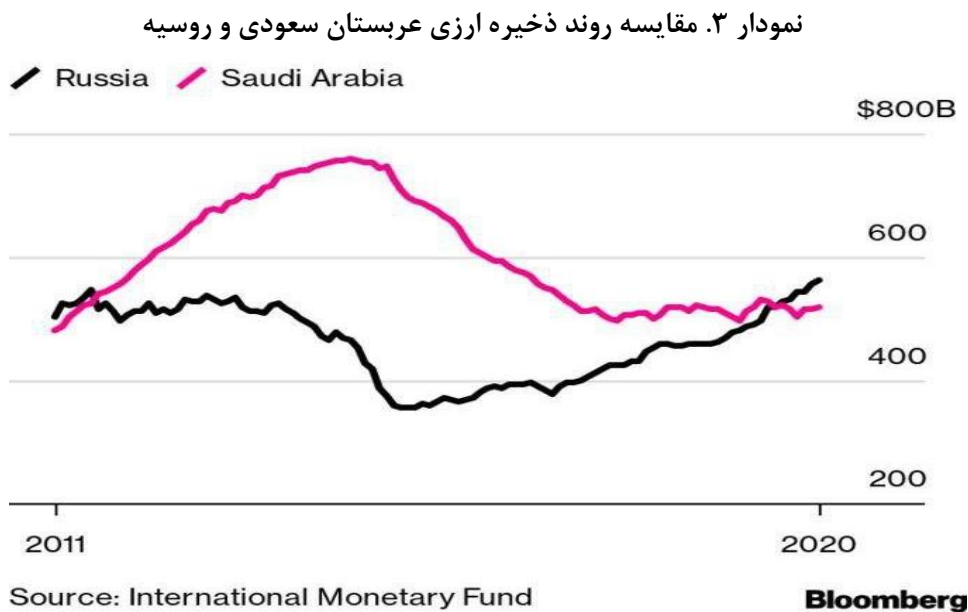
نمودار ۲. سهم وابستگی بودجه دو کشور عربستان و روسیه به درآمدهای انرژی



مأخذ: بلومبرگ.

- ذخیره ارزی روبه رشد روسیه در چند سال اخیر و روند کاهشی ذخیره ارزی عربستان حتی شرایط سیاست‌های کات عرضه

نکته بسیار مهم این است که حتی در چند سال گذشته که قیمت‌های جهانی نفت در پی کاهش‌های پی‌درپی کشورهای اوپک پلاس تا حدی رشد کرد، باز هم سطح قیمت‌ها به سطح سربسری مورد نیاز عربستان برای بودجه داخلی نرسیده بود و این کشور در چند سال گذشته مجبور به استفاده از ذخایر ارزی خود برای جبران کسری بودجه داخلی شده است. این در حالی است که به دلیل بودجه‌بندی روسیه بر پایه قیمت‌های پایین‌تر از سطح قیمت جهانی نفت، ذخیره ارزی این کشور روند صعودی داشته که از عربستان سعودی نیز در سال ۲۰۱۹ پیشی گرفته است. در واقع می‌توان گفت که در سال‌های گذشته، روسیه به رغم همکاری با اوپک در کاهش عرضه برای افزایش قیمت جهانی نفت، بودجه داخلی خود را در سطوح پایین قیمتی قرار داده بود که بتواند ذخیره ارزی خود را تقویت نماید. در نمودار زیر می‌توان به مقایسه روند ذخیره ارزی دو کشور روسیه و عربستان در چند سال اخیر پرداخت. این موضوع به توان مقاومت روسیه در جنگ احتمالی قیمت از سوی عربستان در کوتاه‌مدت افزوده خواهد کرد.



۲-۳. جمع‌بندی: سناریوهای احتمالی مورد انتظار روسیه از بازار جهانی نفت

تحولات آتی بازار جهانی نفت را از منظر روسیه را می‌توان در ۲ سناریو الف) قابل پذیرش و ب) مطلوب در نظر گرفت.

۲-۳-۱. سناریوی قابل پذیرش: انتظار عقب‌نشینی عربستان به دلیل فشار اقتصادی و موج‌سواری رایگان (Free Riding)

در این سناریو، اقتصاد عربستان و متحدان عربی آن (امارات متحده عربی و کویت) به رغم سیاست‌های موقتی این کشورها در اتخاذ سیاست‌های انرژی جنگ قیمتی علیه روسیه به عنوان متهم شکست توافق اوپک پلاس و تشدید کاهش قیمت، در سال ۲۰۲۰ نهایتاً این دولت‌ها را مجبور به چاره‌جویی برای کاهش عرضه و افزایش قیمت خواهد کرد. در این شرایط احتمالاً عربستان و متحدان به سیاست‌های کاهش عرضه بدون مشارکت روسیه و مستقلاً در اوپک اقدام خواهند کرد که همگی از جمله عراق به قیمت‌های پایین نفت بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود. در این شرایط با کاهش مستقلاً از سوی اوپک، قیمت‌های جهانی رشد خواهد کرد و روسیه نیز از منافع آن به صورت سواری رایگان منتفع خواهد شد. ممکن است عربستان علاوه بر فشارهای بودجه‌ای داخلی، تحت تأثیر دولت ترامپ نیز اقدام به کاهش عرضه کند تا قیمت‌ها رشد کرده و از افول هرچه بیشتر صنعت اشتغال‌ساز نفت شیل در سال انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا جلوگیری کند. دولت ترامپ که در سال انتخابات احتمالاً علاوه بر جنبه‌های اجتماعی مدیریت بهداشتی بحران کرونا، با اثرات اقتصادی این بحران بر اقتصاد داخلی این کشور و تضعیف برگ برنده اقتصادی خود در مناظرات انتخاباتی (رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال) مواجه بوده و رکود صنعت نفت که از منظر تحلیلی «داده-ستانده اقتصادی» اثر زیادی در GDP آمریکا خواهد داشت را به راحتی برنتابد.



عربستان نیز از دست دادن متحد راهبردی خود (دولت ترامپ) را به نسبت اختلافات راهبردی با دموکراتها برای خود زیان تلقی خواهد کرد.

در مجموع، در این سناریو به عنوان سناریوی قابل پذیرش روسیه، انتظار مقامات کرملین این است که عربستان یا به کاهش مستقلانه نفت دست خواهد زد و یا اگر در چارچوب حفظ وجهه به دنبال احیاء اوپک پلاس باشد، سهم اصلی کاهش تولید را خود و متحدانش به عهده بگیرد و روسیه سواری رایگان حاصل کند. این سناریو به این دلیل، سناریوی حداقلی روسیه است چون مشکل اصلی روسیه در تهدید بازارهای انرژی این کشور در بلندمدت که توسعه شدید نفت شیل ایالات متحده است را متضرر نکرده و این تهدید برای منافع بلندمدت انرژی روسیه، همچنان پابرجا خواهد ماند.

۲-۳-۲. سناریوی مطلوب: غیراقتصادی شدن بخش اعظم نفت شیل در بازار و افزایش قیمت و تأمین منافع راهبردی بلندمدت روسیه

در این سناریو، در صورتی که عربستان به جنگ قیمتی از طریق افزایش عرضه ادامه داده و بتواند با استفاده از ذخایر ارزی خود، اثرات منفی کاهش قیمت جهانی نفت را در اقتصاد خود مدیریت نماید، عرضه نفت شیل ایالات متحده در قیمت‌های پایین به شدت ضربه خواهد خورد و با خروج بخشی از نفت‌های پرهزینه از بازار جهانی (که البته بجز نفت متعارف شامل بخش‌هایی از نفت پرهزینه متعارف نظیر نفت فوق‌سنگین نیز می‌شود) قیمت جهانی نفت بدون کاهش سهم بازاری روسیه رشد کند. در این شرایط، تهدید راهبردی بازار بلندمدت روسیه یعنی نفت شیل ایالات متحده آسیب جدی را متحمل خواهد شد.

به عنوان نکته پایانی می‌توان گفت که موضوع بحران کرونا و زمان احتمالی مدیریت آن در سطح جهانی از منظر اثرگذاری بر تقاضای جهانی نفت، آسیب‌پذیری عربستان از رخدادهای ژئوپلیتیکی موشکی از قسمت جنوبی که در صورت اصرار عربستان به تعارض رفتاری مستقیم با روسیه (نظیر انتشار خبر تهاجم عربستان به بازار شرق اروپای روسیه با ارائه نفت ارزان به بلاروس) باید انتظار تسلیح آنها از سوی روسیه به تسلیحات دقیق‌تر و اثرگذارتر را نیز داشته باشد.

۳. فروپاشی اوپک پلاس و شکست راهبرد «حاکمیت‌دوگانه شیل/آرامکو» عربستان بر بازار انرژی

۳-۱. مقدمه و طرح مسئله: فهم منطق راهبردی عربستان در تکرار طرح کاهش عرضه برای بهبود قیمت به رغم افزایش تولید نفت شیل آمریکا

طرح ایده عربستان سعودی در واکنش به کاهش قیمت نفت و اثرگذاری بحران کرونا بر بازار جهانی نفت، تکرار تصمیماتی بود که از دسامبر ۲۰۱۶ به صورت مرحله‌ای و فزاینده اتخاذ شده بود. این ایده

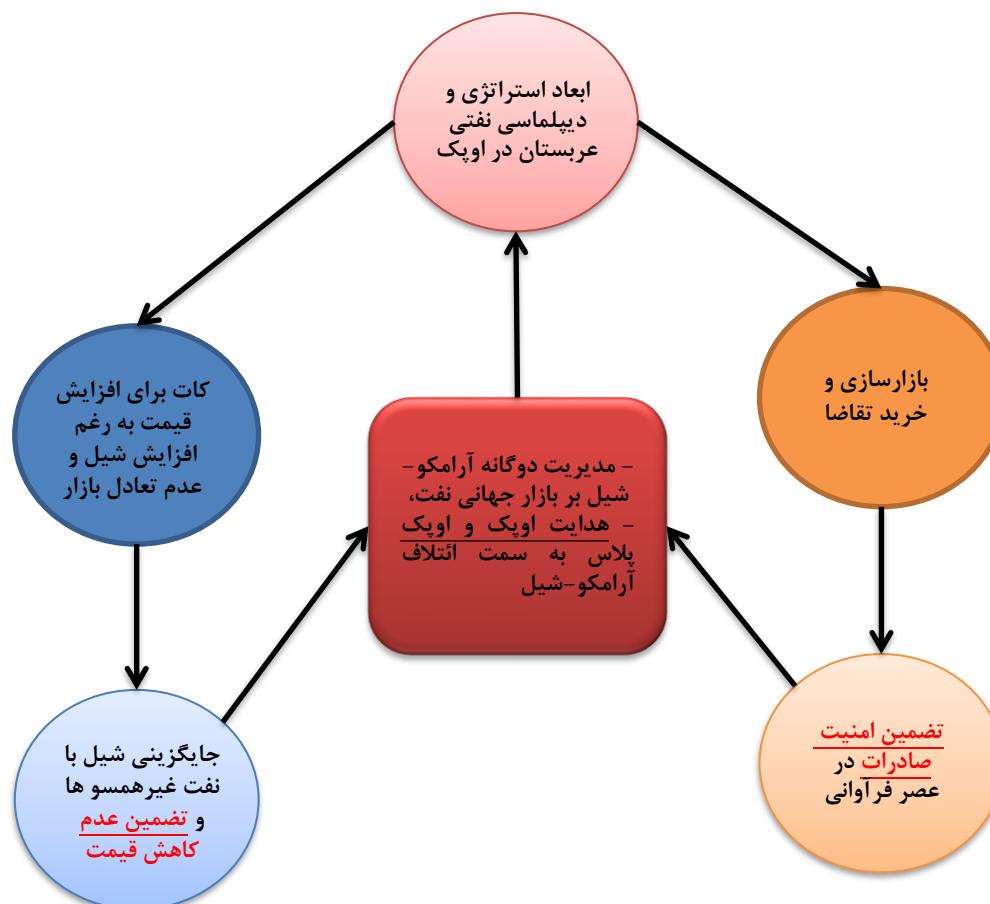
مورد حمایت روسیه و دیگر کشورهای موسوم به غیراوپک قرار گرفته و در قالب مصوبات اوپک پلاس مشتمل بر کاهش عرضه نفت در بازار جهانی به منظور افزایش قیمت بود. تصمیم کاهش ۱/۷ میلیون بشکه در روز اوپک پلاس تا مارس ۲۰۲۰ تمدید شده بود و در نشست اخیر عربستان مجدداً کاهش ۱/۵ میلیون بشکه در روز دیگر از سوی اوپک پلاس را مطرح و در نشست اوپک به شرط همکاری غیراوپکی‌ها به تصویب رساند. مطابق طرح عربستان سعودی، علاوه بر کاهش‌های قبلی، مجدداً اوپک ۱ میلیون و غیراوپک ۵۰۰ هزار بشکه دیگر از تولید خود را کم خواهند کرد. این طرح از سوی روسیه رد شد و متعاقب آن توافق اوپک پلاس نیز از بین رفت. حال سوال این است که اساساً عربستان سعودی، راهکار کاهش پی‌درپی و چرخه‌ای عرضه نفت اوپک پلاس با هدف افزایش قیمت را در شرایطی که منجر به تجاری‌شدن بیشتر نفت شیل و کاهش سهم راهبردی اوپک پلاس از بازار می‌شود را بر اساس چه راهبردی و برای رسیدن به چه هدفی انتخاب کرده است. در این بخش از گزارش در پی فهم منطق راهبردی سیاست و دیپلماسی انرژی عربستان در برنامه‌های اقدام پیشنهادی کاهش عرضه از سوی اوپک پلاس می‌باشد. سؤال دوم نیز این است که حال که روسیه از توافق کاهش تولید با اوپک خارج شده و قیمت‌های جهانی روند شدید نزولی را به خود گرفته است، چه اقداماتی را در آینده محتملاً اتخاذ خواهد کرد.

۳-۲. تحلیل و ارزیابی: تحلیل استراتژی و دیپلماسی انرژی عربستان سعودی؛ اهداف و برنامه‌های اقدام

راهبرد و دیپلماسی نفتی عربستان سعودی در بازار جهانی نفت تلفیقی از اهداف و برنامه‌های اقدام اقتصادی/امنیتی بوده که متأثر از تحولات جدید حوزه انرژی (بویژه تجاری‌شدن نفت نامتعارف و افزایش عرضه/پیک تقاضا و کاهش آن) و نیز تحولات سیاسی/امنیتی وجود حامیان خارجی در دولت ترامپ و تأکید بر تداوم حیات سیاسی این دولت بویژه در انتخابات ۲۰۲۰ شکل گرفته است. در ابتدا طرح کلی راهبرد انرژی عربستان در الگوی ذیل ترسیم می‌شود و سپس به بررسی و تحلیل ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود؛



نمودار ۴. الگوی مفهومی استراتژی و دیپلماسی نفتی عربستان سعودی



۳-۳. توازن بخشی بین دو هدف متناقض در عصر ورود نفت شیل آمریکا؛ «بیشینه‌سازی درآمد» و «سهم بازار»

هدف ثابت و همیشگی راهبرد انرژی عربستان ایجاد شرایطی است که هم بتواند به طور پیوسته و با توجه به اهمیت موضوع وابستگی امنیت عرضه جهانی نفت به تولید خود، سهم نفت صادراتی عربستان را در بازار جهانی افزایش دهد. این هدف برای بهره‌گیری این کشور از مزایای امنیتی سهم برجسته و غیرقابل حذف از بازار جهانی نفت است تا کشورهای بزرگ مصرف‌کننده امنیت انرژی خود را در گرو حفظ ثبات و امنیت نظام سیاسی و ثبات سیاسی آن بدانند. هدف دیگر حائز اهمیت استراتژی انرژی عربستان، کسب درآمد حداکثری از صادرات نفت است. این درآمدهای نفتی برای پیشبرد طرح‌های اقتصادی و اجتماعی داخلی و سیاست خارجی توسعه‌طلبانه و پرهزینه این کشور ضروری است.

اما پیگیری همزمان این دو هدف با یکدیگر در تناقض می‌باشد. زیرا از یکسو اقدام به افزایش تولید و افزایش سهم در بازار منجر به افزایش عرضه و کاهش قیمت و کاهش درآمدهای نفتی می‌شود و از سوی دیگر تلاش برای حداکثرسازی درآمد با توجه به شرایط بازار نیازمند کاهش تولید به منظور بهبود

قیمت می‌شود که مخالف هدف راهبردی سهم بازاری عربستان می‌گردد. این کشور به صورت سنتی در گذشته تلاش کرده است که با جایگزین‌سازی نفت خود به جای نفت کشورهای درگیر بحران این تناقض را حل کند و همزمان هر دو هدف را داشته باشد. اما در شرایط حاضر با ورود عامل جدیدی در بازار به نام رشد انقلابی نفت شیل آمریکا مواجه شده است که توازن بخشی بین دو هدف راهبردی فوق‌الذکر را در ظاهر دشوار کرده است. اما مقامات سیاستگذاری انرژی و امنیتی عربستان به تدوین برنامه‌های خاص و منحصر به فردی برای دستیابی به ۲ هدف راهبردی خود در عصر ورود نفت شیل در بازار دست‌زده اند که عبارتند از؛

• برنامه اقدام اول: بازارسازی برای ایمن‌سازی نفت صادراتی در شرایط افزایش عرضه

در این برنامه اقدام، عربستان تلاش کرده است تا از طریق راهبرد بازارسازی Buy Demand (خرید تقاضا) و احداث پالایشگاه در کشورهای مهم فعلی و نوظهور مصرف‌کننده به تأمین حداکثری امنیت تقاضا برای نفت صادراتی خود اقدام نمایند. با تحلیل روند زمانی بهره‌برداری از پروژه‌های پالایشی در حال ساخت خارجی عربستان تا سال ۲۰۲۴ تقریباً بین ۷۰ تا ۹۸ درصد صادرات نفت این کشور ایمن می‌شود. پالایشگاه‌های در حال ساخت عربستان در کشورهای هند، چین، اندونزی، مالزی، پاکستان، کره جنوبی و آفریقای جنوبی است که جمعاً دارای ظرفیت پالایشی ۳/۳۶۰ میلیون بشکه در روز است. لازم به ذکر است که این کشور هم‌اکنون نیز در ۱/۷۵۰ میلیون بشکه در روز ظرفیت پالایشی فعال خارجی دارای سهمی بین ۱۵ تا ۱۰۰ درصد است. در این برنامه اقدام، عربستان سهم خود را از بازار جهانی تضمین می‌نماید.

• برنامه اقدام دوم: پیگیری طرح کاهش عرضه برای افزایش قیمت همراه با توسعه نفت شیل

دولت ترامپ و ایجاد زمینه برای اخراج نفت کشورهای غیرهمسو

با افزایش عرضه نفت شیل در جهان و کاهش قیمت، عربستان از دسامبر ۲۰۱۶ به بعد تصمیم گرفته است که اوپک را به سمت کاهش عرضه و افزایش قیمت مدیریت کند و حتی روسیه را نیز در ابتدا به دلیل آسیب‌پذیری از کاهش قیمت نفت با خود در قالب اوپک پلاس همراه سازد. کاهش عرضه نفت اوپک پلاس و بهبود موقتی قیمت منجر به توسعه بیشتر نفت شیل آمریکا و مجدداً کاهش قیمت شده و مجدداً دولت عربستان تلاش می‌کند که اوپک پلاس را به سمت کاهش بیشتر عرضه و بهبود موقتی قیمت مدیریت کند. چرا؟

چون عربستان ملاحظه می‌کند که افزایش تولید نفت شیل به دلیل اقدامات عربستان، منجر به تهدید بازارهای عربستان نمی‌شود (که در بخش قبلی ذکر شد بازارهای خود را ایمن کرده است) زیرا دولت ترامپ افزایش عرضه نفت خود را با سیاست‌های تحریمی و تعرفه‌های تجاری جایگزین نفت کشورهای غیرهمسو با خود نظیر ونزوئلا، ایران و احتمالاً روسیه و عراق می‌کند. در این شرایط عربستان

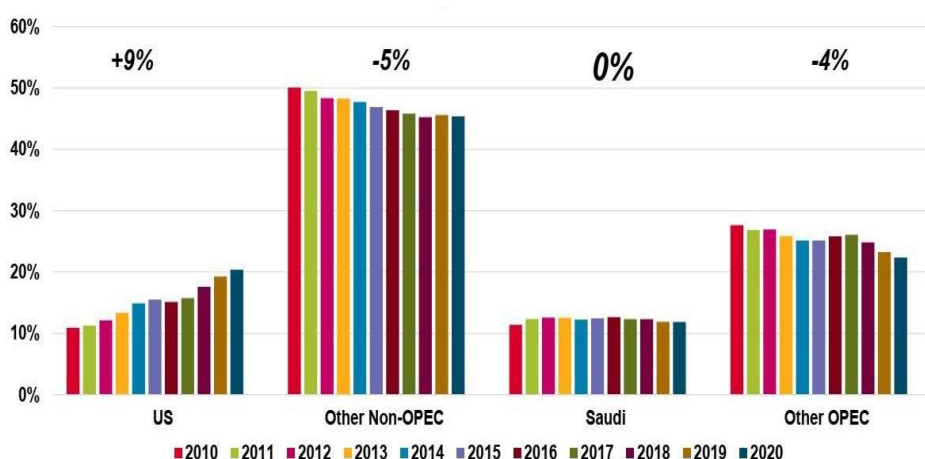


تلاش می‌کند که به صورت چرخه‌ای با هزینه دیگر کشورها در قالب اوپک پلاس و تحمیل سیاست کاهش عرضه، به ۳ منفعت بزرگ می‌رسد؛ ۱. با افزایش قیمت از مزایای اقتصادی آن بهره‌می‌برد، ۲. افزایش تولید آمریکا جایگزین نفت کشورهای غیرهمسو نظیر ایران شود و ۳. به دولت و متحد راهبردی خود در شکوفایی صنعت اشتغال‌ساز نفت شیل در انتخابات ۲۰۲۰ کمک نماید.

۳-۴. ایجاد و تحمیل مدیریت دوگانه «آرامکو- شیل» بر بازار جهانی

مطالعه راهبرد و برنامه‌های اقدام انرژی عربستان نشان می‌دهد که این کشور تلاش دارد تا با سیاست همراهی با دولت ترامپ و توسعه نفت شیل این کشور، نوعی مدیریت دوگانه «آرامکو- شیل» را بر بازار حاکم نماید. عربستان از یکسو با تحمیل سیاست‌های کاهش عرضه بر اوپک پلاس فضا را برای افزایش قیمت و تجاری‌شدن بیشتر نفت شیل دولت ترامپ فراهم می‌کند و دولت ترامپ نیز نفت خود را از طریق سیاست‌های تحریمی و سیاست‌های تعرفه‌ای جایگزین نفت کشورهای غیرهمسو می‌کند. مطالعه نمودار ذیل نشان می‌دهد که افزایش ۹ درصدی سهم تولید نفت دولت ایالات متحده بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ هیچ اثری بر سهم بازار عربستان نداشته و ۵٪ درصد از سهم تولیدی نفت غیراوپک و ۴ درصد از سهم تولیدی نفت کشورهای اوپک بجز کشورهای عربی را حذف کرده است. در این شرایط عربستان به هر دو هدف راهبرد انرژی خود یعنی «بیشینه‌سازی درآمد» و «سهم بازار» می‌رسد فقط کافی است که همچنان اوپک و غیراوپک را به سمت کاهش عرضه بیشتر و افزایش قیمت هدایت کند.

نمودار ۵. تغییرات سهم از تولید مایعات سوختی جهانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰



Source: Platts

۳-۵. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی و سناریوی رفتاری عربستان

تاکنون، افزایش تولید نفت شیل ایالات متحده به میزان ۳/۹ میلیون بشکه در روز از سال ۲۰۱۶ تا

۲۰۲۰، جایگزین نفت کشورهای نظیر ایران، ونزئلا، سوریه و بخشی از لیبی شده است اما دولت روسیه با روند فعلی احساس تهدید کرده است که گزینه بعدی جایگزین سازی روند روبه رشد نفت شیل آمریکا، بازارهای روسیه در اروپا و چین می باشد. اتفاقی که هم اکنون در بخش گاز طبیعی برای روسیه رخ داده و دولت ترامپ تلاش دارد که با «بازاریابی دیپلماتیک»، LNG خود را جایگزین گاز روسیه نماید و به همین دلیل خط لوله نورد استریم-۲ برای عرضه گاز روسیه به اروپا را تحریم می کند.

در این فرآیند روسیه تصمیم گرفته است که با خروج از توافق اوپک پلاس و نپذیرفتن کاهش عرضه، منجر به کاهش قیمت نفت گردد تا نفت پرهزینه شیل آمریکا به دلایل اقتصادی از بازار خارج گشته و بازارهای این کشور را تهدید ننماید.

به نظر می رسد که عربستان در کوتاه مدت تلاش خواهد کرد که با «جنگ قیمتی» روسیه را وادار سازد که به توافق کاهش عرضه با اوپک بازگردد. عرضه نفت ارزان به بازارهای مهم صادراتی روسیه نظیر اروپا با تأکید بر اروپای شرقی نیز از ابزارهای احتمالی اعمال فشار بر روسیه است. پشتوانه ارزی بالای این کشور ممکن است که این کشور را در تداوم جنگ قیمتی برای وادار سازی روسیه به بازگشت توافق کاهش با اوپک امیدوار سازد.

اما سیاست جنگ قیمتی با اوپک با تهدید بالایی نیز روبرو می باشد. علاوه بر اینکه بودجه روسیه در چند سال گذشته بر اساس قیمت های پایین تر از قیمت جهانی نفت بسته شده است و دارای ذخیره ارزی بالاتری از عربستان است، سیاست جنگ قیمتی عربستان ممکن است که به ضرر خود عربستان از حیث فشار بر ذخیره ارزی این کشور و همچنین کاهش اعتبار اقتصادی این کشور گردد.

از این گذشته، ممکن است که روسیه جنگ قیمتی عربستان را با توجه به آسیب پذیری کمتر اقتصاد خود، در راستای راهبرد خود برای کاهش بیشتر قیمت جهانی نفت با هدف فشار بیشتر بر نفت شیل و خروج این نفت های پرهزینه از بازار تلقی نموده و در برابر آن مقاومت کرده و آن را نیز ادامه دهد. در این شرایط، سیاست جنگ قیمتی عربستان بیشتر از آنکه تهدید روسیه باشد، تهدید صنعت اشتغالزای شیل دولت ترامپ باشد که آینده حیات سیاسی متحد راهبردی عربستان را در انتخابات ۲۰۲۰ را تهدید کند.

در مجموع، سناریوی محتمل عربستان در این شرایط فارغ از نتایج آن، پیگیری جنگ قیمتی به همراه متحدان عربی خود بویژه امارات متحده عربی برای بازگرداندن روسیه به توافق کاهش عرضه با اوپک در قالب توافقات اوپک پلاس می باشد.



۴. چشم‌انداز تولید نفت شیل آمریکا پس از عدم توافق اوپک پلاس

۱-۴. مقدمه و طرح مسئله

در چند سال گذشته پیشرفت‌های تکنولوژیکی در زمینه برداشت از منابع نامتعارف نفت و گاز در آمریکا باعث تحولات اساسی در بازارهای جهانی انرژی شده است. ترکیبی از حفاری افقی و عملیات شکست هیدرولیکی موجب شده است که برداشت حجم قابل توجهی از نفت و گازی که با تکنولوژی‌های قبلی اقتصادی نبود جنبه تجاری به خود گیرد. این مسئله تأثیر قابل توجهی را بر وضعیت عرضه منابع متعارف نفت و گاز، تقاضای جهانی، صنعت پالایش و قیمت‌های نفت گذاشته است. از ژوئن ۲۰۱۴ که قیمت نفت خام روند نزولی به خود گرفت، وضعیت تولید نفت و گاز شیل توجهات بیشتری را به خود جلب کرد و بسیاری از تحلیل‌گران تلاش کردند که به این سؤال جواب بدهند که تولید نفت شیل در چه قیمتی اقتصادی است؟ اگرچه تولید نفت شیل از مارس ۲۰۱۵ روند نزولی به خود گرفت اما اولاً کاهش آن کمتر از حد انتظارات اولیه بود و از طرف دیگر از اواخر سال ۲۰۱۶ که قیمت‌ها تحت تأثیر توافق اوپک و غیراوپک برای کاهش ۱/۸ میلیون بشکه در روز از تولید، روند صعودی به خود گرفت، خیلی زود رشد مجدد تولید نفت شیل از سر گرفته شد. در حال حاضر که قیمت‌ها تحت تأثیر کاهش تقاضای جهانی به دلیل شیوع و گسترش سریع ویروس کرونا در سطح جهانی و عدم توافق اوپک پلاس برای کاهش تولید و همین‌طور جنگ قیمتی روسیه و عربستان با کاهش شدیدی مواجه شده، چشم‌انداز تولید شیل در سال ۲۰۲۰ از اهمیت زیادی برخوردار شده است که در این گزارش به چشم‌انداز تولید نفت شیل در آمریکا در سال ۲۰۲۰ پرداخته می‌شود.

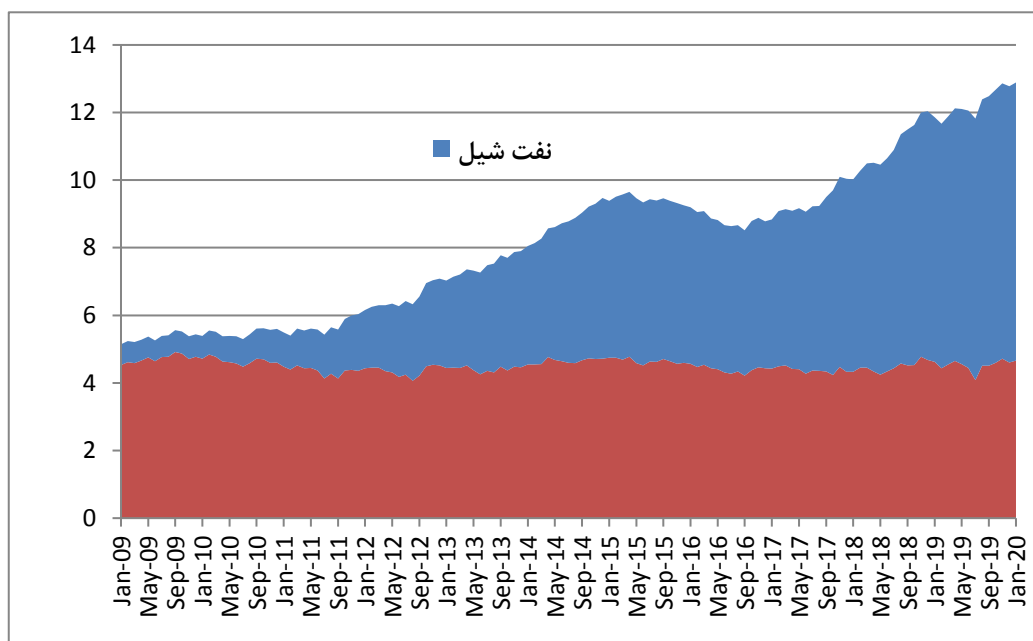
۲-۴. تحلیل و ارزیابی

• وضعیت کنونی تولید نفت شیل در آمریکا

در ژانویه ۲۰۲۰ کل تولید نفت خام ۱۲/۸۹ میلیون بشکه در روز بود که ۸/۲۳ میلیون بشکه نفت شیل و ۴/۶۶ میلیون بشکه در روز نفت خام متعارف بوده است. در چند سال گذشته تولید نفت متعارف در آمریکا روند تقریباً ثابتی داشته اما تولید نفت شیل روند صعودی داشته است.

نمودار ۶. تولید نفت خام آمریکا به تفکیک نفت شیل و نفت متعارف

(میلیون بشکه در روز)



مأخذ: سازمان اوپک و اداره اطلاعات انرژی آمریکا.

تولید نفت شیل در آمریکا در گذشته نیز انجام می‌شد اما سهم آن در کل تولید نفت خام آمریکا ناچیز بود. تولید نفت شیل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود. از اواخر سال ۲۰۰۸ تولید نفت شیل روند صعودی به خود گرفت و از ۴۹۰ هزار در روز در ژانویه ۲۰۰۸ به ۶۲۰ هزار بشکه در روز در دسامبر ۲۰۰۸ رسید. این روند در طی سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ با شیب ملایمی ادامه یافت و تولید نفت شیل در دسامبر ۲۰۱۰ به ۹۹۰ هزار بشکه در روز رسید. جهش اساسی در تولید نفت شیل از سال ۲۰۱۱ آغاز شد و اولین دوره رشد تا مارس ۲۰۱۵ ادامه یافت. تولید نفت شیل با متوسط نرخ رشد ماهانه ۳/۲ درصد از ۱/۰۱ میلیون بشکه در روز در ژانویه ۲۰۱۱ به ۴/۸۹ میلیون بشکه در روز در مارس ۲۰۱۵ رسید. از مارس ۲۰۱۵ تولید نفت شیل روند نزولی به خود گرفت و با ۵۹۰ هزار بشکه در روز کاهش در سپتامبر ۲۰۱۶ به ۴/۳۱ میلیون بشکه در روز رسیده است اما سپس روند صعودی به خود گرفت و در ژانویه ۲۰۲۰ به ۸/۲۳ میلیون بشکه در روز رسید.

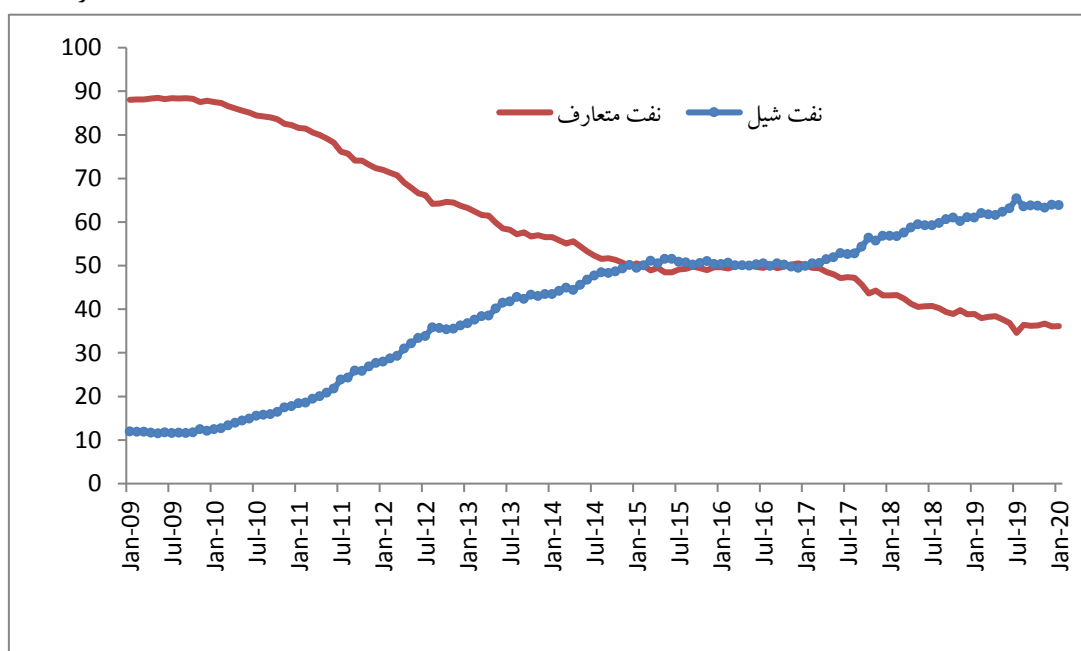
افزایش تولید نفت شیل در آمریکا موجب شده که سهم نفت شیل در کل تولید نفت خام آمریکا روند صعودی داشته و در سال ۲۰۱۵ از تولید نفت متعارف پیش گیرد. در ژانویه ۲۰۰۹ سهم نفت شیل از کل تولید نفت خام ۱۲ درصد بود که با توسعه تولید نفت شیل سهم آن روند فزونی گرفت و در ژوئن ۲۰۱۵ به ۵۱/۷ درصد رسید، سهم تولید نفت شیل و نفت متعارف تا اوایل سال ۲۰۱۷ تقریباً برابر بود اما از اوایل سال ۲۰۱۷ سهم تولید نفت شیل از نفت متعارف پیشی گرفت و در ژانویه ۲۰۲۰ به ۶۳/۹



درصد رسید که نشانگر غالب شدن سهم تولید نفت شیل بر کل تولید نفت خام در آمریکا می‌باشد و پیش‌بینی می‌شود همین روند ادامه یابد.

نمودار ۷. سهم تولید نفت خام متعارف و نفت شیل ژانویه ۲۰۰۹ تا ژانویه ۲۰۲۰

(درصد)

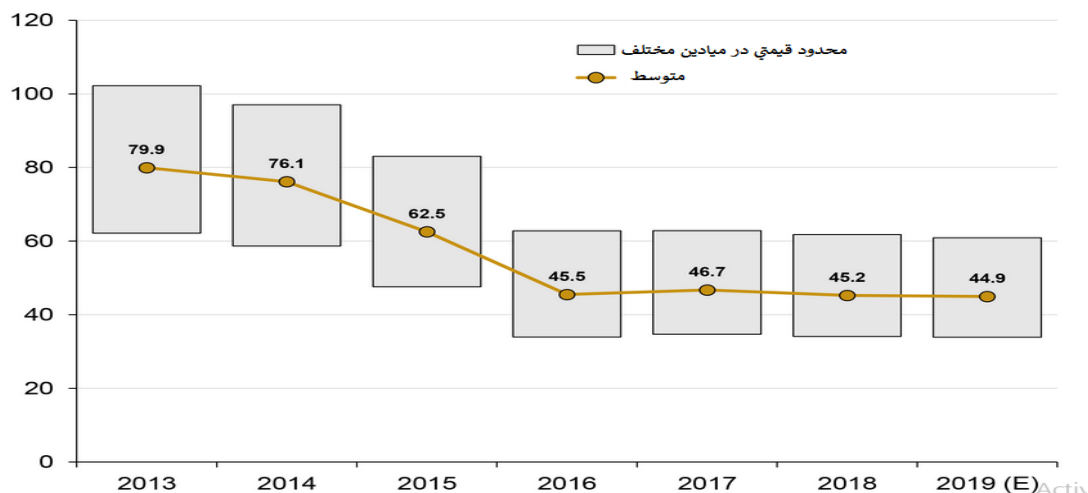


مأخذ: استخراج شده از آمار سازمان اوپک و اداره اطلاعات انرژی آمریکا.

• هزینه تولید نفت شیل

در مورد هزینه تولید نفت شیل سطوح قیمتی مختلفی توسط کارشناسان و مؤسسات نفتی ذکر شده است اما نکته قابل توجه سیر نزولی آن در چند سال گذشته می‌باشد. در حالی که در سال ۲۰۱۳ هزینه سربه‌سری تولید نفت شیل حدود ۸۰ دلار در بشکه بود در سال ۲۰۱۹ به حدود ۴۵ دلار در بشکه رسیده است. البته هزینه سربه‌سری تولید در حوزه‌های مختلف و حتی چاه‌های مختلف متفاوت است. بر اساس گزارشی که شرکت راستاد انرژی در دسامبر ۲۰۱۹ منتشر کرد متوسط هزینه سربه‌سری تولید نفت شیل برای چاه‌های جدید در سال ۲۰۱۹ بین ۳۷ تا ۶۱ دلار در بشکه (بر اساس قیمت نفت خام وست تگزاس) است و متوسط آن ۴۴/۹ دلار در بشکه بوده است.

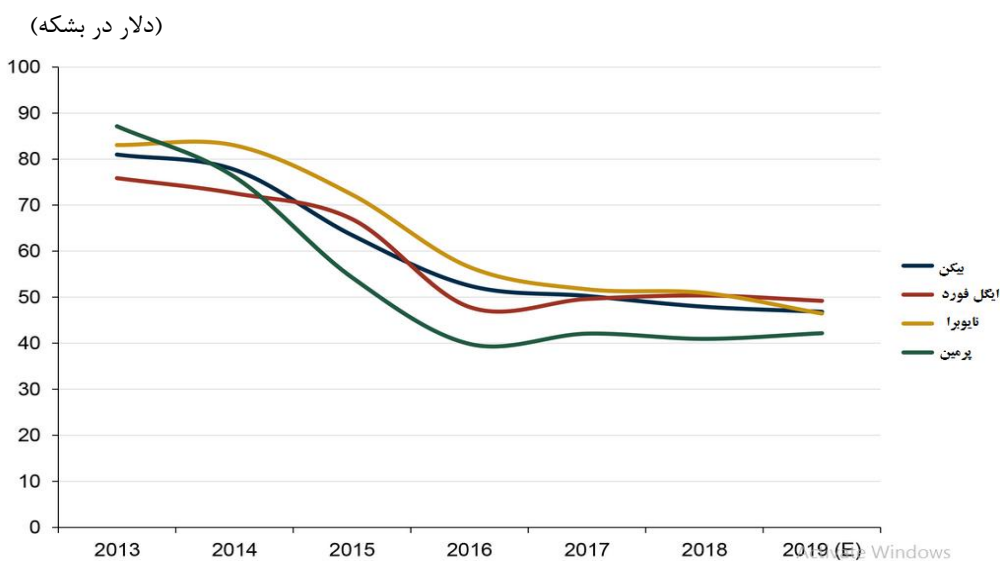
نمودار ۸. قیمت سر به سری تولید نفت شیل در آمریکا (بر اساس قیمت نفت خام وست تگزاس)



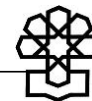
مأخذ: شرکت راستاد انرژی، دسامبر ۲۰۱۹.

بر اساس گزارش شرکت راستاد انرژی متوسط هزینه تولید در مناطق مختلف تولیدکننده نفت شیل متفاوت است و در بین چهار منطقه مهم تولیدکننده یعنی بیکن، ایگل فورد، نایوبرا و پرمین بین ۴۱ تا ۵۰ دلار در بشکه متفاوت است. هزینه تولید در منطقه پرمین پایین‌تر از سایر مناطق است که در چند سال گذشته نیز بالاترین رشد تولید در این منطقه بوده و پیش‌بینی میشود که بخش عمده رشد تولید در سال‌های آتی مربوط به این منطقه باشد. البته در این منطقه نیز محدوده قیمت با توجه به شرکت تولیدکننده و چاه تولیدی متغیر است.

نمودار ۹. هزینه سر به سری تولید به تفکیک مناطق مهم تولیدکننده نفت شیل



مأخذ: شرکت راستاد انرژی، دسامبر ۲۰۱۹.



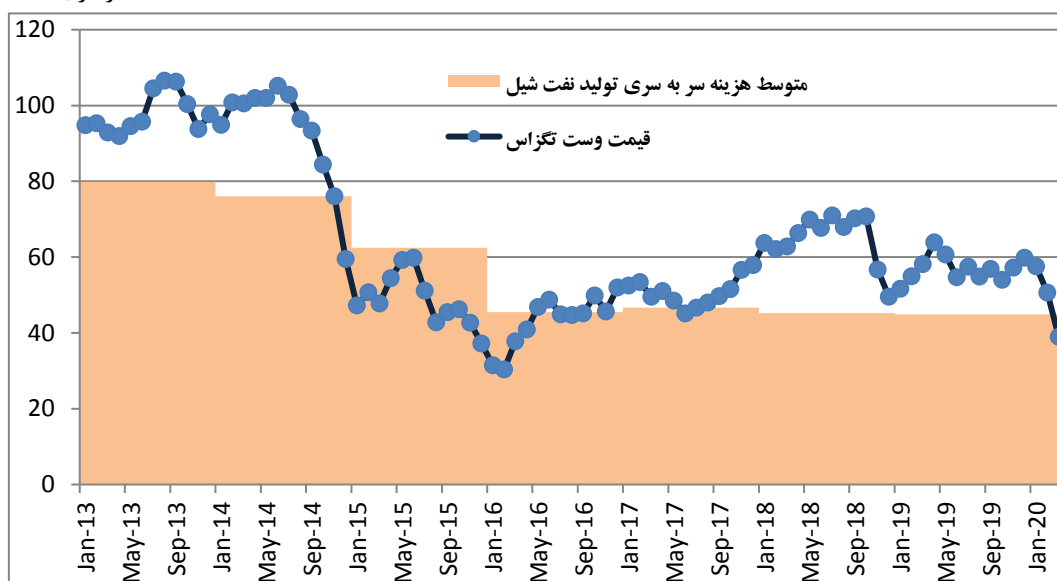
یکی از نکات قابل توجه در تولید نفت شیل آمریکا هزینه عملیاتی پایین آن نسبت به سایر نفت‌خام‌های غیرمتعارف است و حتی هزینه عملیاتی تولید آن نسبت به نفت‌خام‌های متعارف در آب‌های عمیق غرب افریقا و همین‌طور برزیل پایین‌تر است. اگرچه تولید نفت شیل هزینه عملیاتی پایینی دارد اما تولید اولیه بعد از پیک اولیه با سرعت بالایی افت می‌کند. به طوری که از زمان شروع تولید، نرخ تولید اولیه در طول ۱۲ ماه به مقدار ۷۲ درصد کاهش می‌یابد و در دو سال اول نرخ تولید اولیه هر چاه ۸۲ درصد افت می‌کند. با این حال شرکت‌های تولیدکننده نفت شیل توانسته‌اند در چند سال گذشته نرخ تولید اولیه هر چاه را افزایش دهند. به طور کلی رشد نفت شیل آمریکا وابستگی زیادی به قیمت نفت دارد و سطح قیمت پایین‌تر از ۳۵ دلار در بشکه برای وست تگزاس باعث زیان‌دهی بخش عمده مناطق تولیدکننده نفت شیل می‌شود. نکته دیگر قابل توجه در هزینه سر به سری تولید نفت شیل در آمریکا اینست که با آنکه روند آن در سال‌های گذشته نزولی بوده اما این کاهش بیشتر در بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ بوده و در چند سال اخیر روند نزولی کاهش هزینه‌های آن بسیار ناچیز بوده است.

• چشم‌انداز تولید نفت شیل در آمریکا

در چند سال گذشته تولید نفت شیل آمریکا روند صعودی داشته، بر اساس برآوردهای سازمان اوپک، در سال ۲۰۱۸ با ۱/۵۶ میلیون بشکه در روز افزایش نسبت به سال ۲۰۱۷ به ۶/۵۲ میلیون بشکه در روز رسیده است. در سال ۲۰۱۹ نیز با ۱/۱۹ میلیون بشکه در روز افزایش به ۷/۷۰ میلیون بشکه در روز رسیده است که حدود ۳۷۰ هزار بشکه در روز رشد کمتری نسبت به سال ۲۰۱۸ داشته است. در اواخر سال ۲۰۱۹ پیش‌بینی می‌شد که تولید نفت شیل آمریکا در سال ۲۰۲۰ حدود یک میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد اما به دلیل شرایط اخیر ایجاد شده در بازار نفت، در این پیش‌بینی تجدید نظر شده و در آخرین ماهنامه سازمان اوپک (مارس ۲۰۲۰) این سازمان برآورد کرده تولید نفت شیل آمریکا در سال ۲۰۲۰ با ۶۲۰ هزار بشکه در روز افزایش به ۸/۳۲ میلیون بشکه در روز برسد اما با توجه به سطح کنونی قیمت‌ها که کمتر از هزینه سر به سری تولید در بخش عمده چاه‌های در حال تولید نفت شیل در آمریکا می‌باشد، در صورتی که این سطح قیمت‌ها ادامه یابد تولید همانند دوره مارس ۲۰۱۵ تا سپتامبر ۲۰۱۶ روند نزولی خواهد یافت اما مقدار آن وابسته به طول مدت دوره کاهش قیمت و سطح قیمت‌ها خواهد داشت.

نمودار ۱۰. قیمت ماهانه وست تگزاس و هزینه سر به سری تولید نفت شیل در آمریکا

(دلار در بشکه)



مأخذ: شرکت راستاد انرژی، دسامبر ۲۰۱۹ و سازمان اوپک.

همانطور که در نمودار فوق ملاحظه می‌شود از نوامبر ۲۰۱۴ هزینه تولید سر به سری تولید نفت شیل پایین‌تر از قیمت نفت وست تگزاس شد و بعد از چند ماه روند تولید نزولی شد و بعد از آنکه در سپتامبر ۲۰۱۶ قیمت وست تگزاس بالاتر از هزینه سر به سری نفت شیل قرار گرفت مجدداً روند تولید صعودی شد. از مارس ۲۰۲۰ قیمت وست تگزاس پایین‌تر از هزینه سر به سری نفت شیل قرار گرفته و در صورت ادامه این روند، تولید نفت شیل روند نزولی به خود خواهد گرفت.

۳-۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ژانویه ۲۰۲۰ کل تولید نفت خام آمریکا ۱۲/۸۹ میلیون بشکه در روز بوده که ۸/۲۳ میلیون بشکه نفت شیل و ۴/۶۶ میلیون بشکه در روز نفت خام متعارف بوده است. در چند سال گذشته اگر چه تولید نفت خام متعارف در آمریکا روند تقریباً ثابتی داشته اما تولید نفت شیل روند صعودی داشته است. روند تولید نفت شیل آمریکا وابستگی زیادی به سطح قیمت‌ها دارد و روند چند سال گذشته آن نشان می‌دهد که زمانی که سطح قیمت‌ها بالاست از رشد تولید بالایی برخوردار بوده اما زمانی که سطح قیمت نفت افت کرده، رشد تولید نفت شیل متوقف شده است به طوری که در دوره مارس ۲۰۱۵ تا سپتامبر ۲۰۱۶ به دلیل کاهش قیمت نفت روند نزولی داشته است. پیش‌بینی می‌شود که تولید نفت شیل آمریکا در سال ۲۰۲۰ حدود یک میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد اما در حال حاضر که قیمت‌ها تحت تأثیر کاهش تقاضای جهانی به دلیل شیوع و گسترش سریع ویروس کرونا در سطح جهانی و عدم توافق اوپک پلاس



برای کاهش تولید و همین‌طور جنگ قیمتی روسیه و عربستان با کاهش شدیدی مواجه شده، پیش‌بینی میشود که چشم‌انداز تولید شیل در سال ۲۰۲۰ منفی باشد البته مقدار آن بستگی به دوره کاهش قیمت‌ها و سطح آن خواهد داشت.

۵. نتایج راهبردی فروپاشی اوپک پلاس برای منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران

اثرات تصمیمات اوپک و اوپک پلاس بر کشورها بر اساس وضعیت تولید این کشورها، سهم درآمد صادرات نفت در بودجه و اقتصادی داخلی آنها، الگوها و راهبردهای بازاریابی/بازارسازی آنها متفاوت است. بی‌تردید، اثرات شکست فروپاشی توافقات اوپک پلاس بر منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا قابل تحلیل است؛

• اثرات بر منافع کوتاه‌مدت اقتصادی کشور از نگاه غیراستراتژیک

- در نگاه غیرراهبردی و اقتصادی صرف، کاهش قیمت نفت منجر به کاهش درآمدهای محدود ناشی از صادرات محدود نفت کشور در فرآیندهای پیچیده دور زدن تحریم گردد.
- دور زدن تحریم‌ها در شرایط کاهش قیمت و افزایش عرضه به صورت موقتی تا زمان خروج نفت شیل از بازار و توازن‌یابی مجدد بازار و یا توافق مجدد اوپک پلاس دشوارتر خواهد بود. هرچند در بلندمدت به دلیل احتمال خروج نفت شیل از بازار در قیمت‌های پایین و توازن‌یابی مجدد عرضه/تقاضا، هم قیمت جهانی نفت رشد می‌کند و هم دورزدن تحریم‌ها تسهیل می‌گردد.
- درآمدهای ناشی از فروش صادرات دیگر بخش‌های انرژی کشور نظیر قیمت گاز صادراتی، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی به دلیل کاهش قیمت نفت نیز کاهش خواهد یافت.

• اثرات راهبردی و بلندمدت بر منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران

- در صورت تکرار چرخه مورد نظر عربستان در کاهش عرضه برای افزایش موقتی قیمت نفت، سهم جهانی نفت شیل در جهان افزایش خواهد یافت. با توجه به جهت‌گیری شدید نفت صادراتی ایالات متحده به بازارهای هند، ژاپن، کره جنوبی، هند، اتحادیه اروپا و چین، افزایش تولید نفت شیل در پرتو راهبرد عربستان، آینده جایگاه نفت ایران حتی در شرایط غیرتحریمی نیز در این بازارها تهدید جدی خواهد شد.
- یکی از عوامل اصلی زمینه‌ساز تحریم کامل صادرات نفتی ایران، توسعه شدید نفت شیل بخاطر استراتژی عربستان در کاهش عرضه و افزایش قیمت بوده است. در صورت موافقت روسیه و تداوم سیاست عربستان در تکرار کاهش عرضه و افزایش موقتی قیمت، همین سطح محدود صادرات نفت در دورزدن تحریم نیز در ماه‌های آتی از بین می‌رود زیرا فرآیند جایگزین‌سازی نفت و گاز شیل در بازارهای ایران جدی‌تر می‌گردد.
- از نظر راهبردی و بلندمدت، منافع کشوری چون ایران و عراق که دارای الگوی بازاریابی سازمان‌یافته

نمی‌باشند و بیشتر بر تجارت نفت بر اساس عرضه و تقاضای بازار متکی هستند، با سیاست روسیه در وارونه‌سازی سیاست فعلی اوپک پلاس هم‌نواپی بیشتری دارد. زیرا احتمالاً با کاهش قیمت نفت، حجم بالایی از نفت‌های پرهزینه از جمله نفت شیل از بازار خارج شده و با توازن‌یابی مجدد بازار جهانی نفت، امکان بازاریابی نفتی برای این کشورها وجود دارد.

- در حال حاضر بین ایران، عراق از یکسو و کشورهای عربی به رهبری عربستان، تعارض منافع وجود دارد. عربستان بازار صادرات نفتی خود را ایمن کرده و با افزایش قیمت از طریق کاهش عرضه با مشارکت و هزینه حداکثری بر دیگر کشورها، هم به منافع اقتصادی بیشتر دست می‌یابد و هم با زمینه‌سازی برای توسعه بیشتر نفت شیل، زمینه برای اعمال فشار بیشتر بر ایران را نیز بیشتر می‌کند.

- اشتغال نفتی برای دولت ترامپ که دارای برگ برنده موفقیت اقتصادی در مناظرات انتخاباتی ۲۰۲۰ بود، با کاهش قیمت نفت با خطر جدی روبرو می‌گردد. این امر برای منافع ملی کشور ایران که امیدوار است با تغییر قدرت از ترامپ به دموکرات‌ها، برجام احیاء شده و با تعلیق مجدد تحریم‌ها زمینه برای ترمیم اقتصاد کشور فراهم گردد، دارای اهمیت راهبردی است. بنابراین، صرف‌نظر از منافع کوتاه‌مدت اقتصادی، از نظر منافع بلندمدت اقتصاد نفتی، بازاریابی، احیاء برجام در صورت تغییر دولت ترامپ به سود دموکرات‌ها، راهبرد روسیه در خروج از توافق نفتی برای کاهش قیمت و حذف نفت شیل از بازار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همسویی و سازگاری دارد.

باید خاطر نشان کرد که مطالعه رفتارهای روسیه و عربستان یک دستاورد تجربی عمیقی را برای تصمیم‌گیران حوزه انرژی و اقتصاد کشور به ارمغان می‌آورد. نفت شیل به دلیل پیشرفت‌های فناورانه در کاهش هزینه‌های تولید به تغییردهنده‌بازی (Game Changer) بدل شده است و آینده اقتصاد نفتی کشور ایران (تأکید می‌شود صرفاً اقتصاد نفتی کشور نه اقتصاد انرژی) نیازمند توجه به موارد ذیل است؛

- الف) ضرورت گریز از اقتصاد نفتی مبتنی بر صادرات نفت خام محور و تمرکز بر صادرات فرآورده به دلیل بر خورداری از تکثر و تنوع بازاری و احتمالاً محیط پیرامونی کشور

- ب) تمرکز هرچه بیشتر بر گریز از الگوهای اولیه و پایه‌ای صادرات نفت نظیر تجارت انرژی بر اساس عرضه و تقاضای مشتریان به سمت الگوهای ایمن‌سازی تقاضا برای صادرات نفتی در بازاریابی با روش‌های متنوعی نظیر Equity Oil شرکت‌های ملی مصرف‌کنندگان، فروش نفت در قالب Total Trade، در صورت امکان اتخاذ روش‌های Buy Demand و نهایتاً ورود به شبکه‌های اتصال انرژی پایدار و بهم‌پیوسته منطقه‌ای است.

- ج) کاهش هرچه بیشتر بودجه کشور از درآمدهای نفتی می‌تواند دیپلماسی نفتی مستقل‌تر و فعالانه‌تر و مؤثرتری را برای منافع راهبردی و بلندمدت کشور به جای تمرکز بر منافع اقتصادی کوتاه‌مدت ولی به ضرر منافع کلان کشور را زمینه‌سازی کند.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۹۵۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل راهبردی فروپاشی توافق کاهش عرضه اوپک پلاس: اثرات آن بر بازار جهانی نفت و منافع انرژی جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه انرژی)

مدیر مطالعه: _____

تهیه و تدوین کنندگان: فریدون اسعدی، گروه کارشناسان

ناظران علمی: حسین افشین، محمدحسن معادی رودسری، علی اصغر اژدری

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____



واژه‌های کلیدی: _____

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶